

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

بمناسبت آغاز نهمین سال جنگ

نهمین سال جنگ را به سال تظاهرات و اعتصابات علیه جنگ و رژیم تبدیل کنید

لغنتی توطئه آمریکا و صدام علیه انقلاب و میهن ما بود. هدف این جنگ افروزی انداختن طوق بندگی سرما به داران به گردن شما بود. جنگ در عمر نیکت با ۵ ساله خود نزدیک به یک میلیون هموطن ما را کشته و مجروح و معلول ساخته است. تا آوارگان و جنگی از مرز ۳ میلیون گذشته است. خسارت جنگ تنها تا پایان سال ۶۱ بالغ بر ۱۶۳ میلیارد و ۹۶۶ میلیون و ۷۵ هزار دلار محاسبه شده است. طی سه سال اول جنگ، ۱۳۰۰ میلیارد ریال طبق آمار خود رژیم صرف هزینه های جنگ شده گسه اکنون به رقم نجومی ۲۳۰۰ میلیارد ریال نیز بالغ می شود.

خرج روزانه جنگ برای کشور، مبلغی بیش از ۲۰۰ میلیون تومان است. به اعتراف سران خیانتکار رژیم، بیش از یک سوم بودجه سالانه کشور صرف هزینه های جنگ می شود. ۷۰ درصد اعتبارات عمرانی کشور و رقیمی معادل آن از بودجه مربوط به آموزش ابتدایی و عالی، بهداشت و امور درمانی، بیمه و خدمات اجتماعی، به هزینه های جنگ اختصاص یافته است. اما جنگ بدلخواه خمینی پهن نمی رود، تلاش جمهوری اسلامی برای پیروزی نظامی شکست خورده بقیه در صفحه ۳

مردم مبارز ایران!
با فرارسیدن ۳۱ شهریور، پنجم سال از جنگی خانما شوموزا بران و عراق میگذرد، بدون آنکه پایان آن معلوم باشد، امراسران جمهوری اسلامی به ادامه جنگ، همه روزنها راهسوی صلح بسته است. خمینی و همفکران او در برابر شما با زهم سنگر و ویرانی و آوارگی، با زهم بیم و هراس میگیرانند. ۵ سال جنگ را به ما مردم عراق تحمیل کرده اند، نه ما شروع این جنگ کثیف را می خواستیم و نه مردم عراق. این جنگ به تحریک آمریکا به دست رژیم صدام آغاز شد و توسط رژیم خمینی ادامه یافت. این جنگ

بمناسبت آغاز سال تحصیلی:
مدرسه و دانشگاه را به سنگری علیه ارتجاع تبدیل کنید!
با فرارسیدن سال تحصیلی، زنگها برای درس و فعالیت بیش از ۹ میلیون دانش آموز و دانشجوی کشور به صدا در می آید. این نیروی عظیم رشد و بالندگی با تلاشهای پرینج و امید والدین و ویاری صدها هزار معلم، دبیر و استاد زحماتش برای آموختن دانش و راه زندگی و فعالیت اجتماعی به حرکت در می آید.

اما در شرایط سلطه جمل و ارتجاع و استبداد بر کشور، محیط های آموزشی با شرایط دشواری روبرو هستند. مقاصد پلیدی سببهای ارتجاعی جمهوری اسلامی برای کودکان، نوجوانان و جوانان کشور وضعیت وخیمی ایجاد کرده است. هم اکنون بیش از ۵ میلیون کودک ایران از نعمت خواندن و نوشتن محرومند. فقر و دشواری زندگی، افزایش هزینه های تحصیلی، فقدان مدارس و اما ربالای مرده دین با عهده شده است که بیشتر از ۵۰ درصد از نوجوانان واجب التحمیل کشور به راه نیا بند ۷۰ درصد دانش آموزانی که در ضمن تحصیل دبیرستانی هستند از ادامه تحصیل محروم گردند. بازگذاشتن دست سرما به داران در عرصه آموزش و پرورش، توسط سران مرتجع رژیم، امکانات آموزشی کشور را بیش از پیش در خدمت اقتدار و طبقات مرتجع قرار می دهد. سیاست ارتجاعی رژیم در خارج معلمین از ادامه ندیش، دیکتاتر کمونیست و ضوابط فاشیستی اش در استخدام معلم باعث شده است که بقیه در صفحه ۵

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
دوره دوم
نهمین سال جنگ و کشتار و هیران زندانی سازمان
دوره دوم ۳

پیروزی تحریم

بالاخره خیمه شب بازی انتخابات ریاست جمهوری در میان نفرت عمومی به این بازی مسخره و در جریان زویندهای پشت پرده با ندهای درون حکومت و درگیر بودا ربا صلاح رقابت سالم کاندیداهای منتخب شورای نگهبان ارتجاع و بایکا رفتن شدن ماشین رای گیری رژیم و در میان تقلبات رسواکننده و بی سابقه به پایان رسید. برای خمینی، مطلوب ترین رئیس جمهور، همان خامنه ای بود - و نظریه نقش و قدرت او در جمهوری اسلامی از قبل هم معلوم بود که باید نام خامنه ای از صندوق انتخابات فرمایشی بیرون آورده شود. سرباز آوردن علی خامنه ای از صندوق رای و حقه بازی تازه خمینی، نه مردم را متعجب می سازد و نه کسی را فریب خواهد داد. خمینی را عوان و انصار با بازی و فشنادال، مگلا مغمم او هم می دانستند که مردم به او این بازی مسخره با جهنم ننگه می کنند. وقتی انتخابات آزاد نیست، برای مردم هم فرق نمی کند که خمینی خامنه ای را از صندوق بیرون آورد یا عسکرا ولادی منغورویا منظفوی کا شانی مرتجع را. برای مردم، آنها هر سه، برادر و هر سه تکه های یک تن هستند. اگر عسکرا ولادی نماینده مستقیم خود با زار است که میلیارد، میلیارد، میلیارد می زدد، خامنه ای و منظفوی کا شانی مذاق از استشارگران و غارتگرانی هستند که با تکیه بر قدرت جمهوری اسلامی و با توجیه شرعی و قانونی، میلیارد، میلیارد، کارگر و دهقان زحمتکش ایران را می چابند. هر سه آنان، غور رهبری حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی، حزب خاک هستند.

این انتخابات، از جهت افشاگر خود رژیم بود و همه بیثبیتی های سازمانهای مترقی و انقلابی ایران در باره شیده بازی انتخابات و در بیکاره نتایج آن را یک بیکار ثابت کرد و نشان داد که خمینی و همفکران او تا چه اندازه در خمینی با مردم و دموکراسی ثابت قدم هستند و برای آنکه به اهداف پلیدی خود برسند، بهر سوایی تن می دهند. رژیم در برده اول این نمایش مسخره، قانون انتخابات را به تصویب رساند. قانون را بگونه ای تنظیم و تصویب کرد که فقط راه مقلدهای "امام" به ریاست جمهوری باز باشد. برای اینکه رئیس جمهور خامنه ای را دوباره انتصاب کنند، حسدلات جسمی کا نندیدها را تا حسدلات خامنه ای تنزل دادند. برای اینکه سران مرتجع رژیم، همه سوراخها و منافذ خود را بگیرند، مثل همیشه شورای نگهبان ارتجاع را با مور کردنکه از میان همه مقلدها، مرتجع ترین و جنابکارترین آنها را انتخاب کنند. از ۵ نفر که خود را کاندید کردند تا در زیرعبای ولی قبه و در کف حمایت ایشان، مناقع می شود را پیش برند و از حمله این آقایان، مهدی بازگران رئیس نهضت آزادی بود. تنها به نقش سر، خامنه ای، عسکرا ولادی و کا شانی شانس و اقتضای خدمت در بارگاه خلیفه جاران، در مقام ریاست جمهوری داده شد. شورای نگهبان ارتجاع این بار هم در حمایت از تجار بزرگ با زاروملکان، سنگ شام گذاشت و هر سه نفر را از نمایندگان و مدافعان سرخستانان برگزید.

المسته خمینی، خامنه ای را ترجیح می داد و او این امتیاز را در درگاه آخوند است و تا آنجا که بقیه در صفحه ۲

مصاحبه با رفیق مهدی فتاپور
هیات سیاسی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، اخیرا رفیق مهدی فتاپور (رفیق خسرو) عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی را به عنوان نماینده کمیته مرکزی در اروپا و مسئول تشکیلات خارج از کشور با زمان انتخاب کرده است. در این رابطه نشریه کار با رفیق خسرو مصاحبه ای ترتیب داده است که متن آن در این شماره نشریه کار به چاپ رسیده است. بقیه در صفحه ۴



جشنواره جهانی مسکو همبستگی ضدامپریالیستی صلح و دوستی

جشنواره مسکو، نمایش عظیم و پر شکوه ضد امپریالیستی، صلح و دوستی جوانان و نوجوانان جهان در مرداد ماه برگزار شد. جشنواره مسکو، جلوه گاه اندیشه های پیرو و ترقیخواهان جوانان، سرانچنان و مظهر عزم و اراده بشریت مترقی برای دفاع از حق حیات و حفظ تمدن بشری بود. ایمن مراسم، یک حرکت سیاسی قدرتمند علیه تجاوزگری امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و تسلط و عظمت نیروی بودکمی می خواهد شد و می تواند صلح و در جهان را بیاد رنگه دارد و جنگ و زور و کشتار را از صحنه گیتی بزدا ید.

در شرایطی که محافل جنگ افروزی امپریالیستی به رهبری دولت ریگان، جهان را به لبه پرتگاه جنگ هسته ای سوق می دهند و چون آمیز می کوشند تا آنها را نیز با سلاحهای رزمی رانیا شته سازند، جشنواره مسکو مظهر و تبلور صلح و این آرمان برحق جوانان و همه مردم سرانچنان است. این جشنواره صلح به این دلیل که جشنواره مسکو، جشنواره صلح خواهد بود، آمریکا با صلاح فستیوال جوانان درجا می شکارا، برای انداختن تا آذان جوانان جهان را از جشنواره مسکو منحرف سازد. آمریکا علیرغم میلیونها دلار خرج و تهدید و اوعاب، جز رسوایی چیزی بدست نیاورد.

آپارتاید می میرد

سنگر نیرومندان و آپارتاید در آفریقا با ضربات کوبنده سیاهان نیا خاسته آفریقای جنوبی مردم می شکنند. تا قوس مرگ نژادپرستی پریشان به صدمه در آمده است. بحران سیاسی پایه های رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی را به لرزه در آورده است. سرکوب و کشتار وسیع و اعلام وضع فوق العاده نتوانسته است از دامنه مبارزات گسترش یابنده مردم جلوگیری کند. رژیم نژادپرست دیگر مانند سابق قادر نیست بر اوضاع تسلط یافته و به شیوه گذشته حکومت کند. کنترل اوضاع کشور را اختیار رژیم خارج می شود. در آفریقای جنوبی جنبش انقلابی مردم علیه دولت بوئا و آپارتاید وارد مرحله بنویسی شده است.

در طی چند ماه اخیر بویژه پس از اعلام حالت فوق العاده هزاران نفر طی تظاهرات کشته و زخمی شده اند و عده بسیار زیادی از نیروهای مترقی روانه زندانها گشته اند. این کشتارها و دستگیریها بر نفرت و خشم مردم از رژیم نژادپرست دا من زده، آنها هر روز صمنا نه ترک کرده تروا در پیکا قطعی با رژیم بوئا می شوند. شهرهای آفریقای جنوبی هر روز شاهد تظاهرات گسترده مردم است. با وجود حالت فوق العاده نزدیک به صدویست هزار دانش آموز در سراسر کشور برای لنوسیستم تبعیض نژادی بقیه در صفحه ۹

چگونه میتوان با قاتلکهای تازه ساواک رژیم مبارزه کرد

در این شماره

- برای گسترش جنبش ضد جنگ در صفحه ۲
- پنج سال کشتار و ویرانی در صفحه ۷
- رضی قهرمان در آستانه اعدام در صفحه ۲۰
- ادمه جنایات رژیم در کردستان در صفحه ۵
- قانون کار باید مدافع حقوق کارگران باشد در صفحه ۱۰
- دهمین سالگرد پیمان هلسینکی در صفحه ۱۲
- بیاد سالوادور آلنده در صفحه ۹
- انتشار بولتن اطلاعاتی در صفحه ۹

علیه جنگ، برای صلح، پا خیزیم!

پیروزی تحریم

انتخاب رئیس جمهوری مربوط می شود، اما مقصود قضا یا محبت سازی و رنگ آمیزی محض است، با تشریحی سابقا بدیگری مجبور می شد، در شرایط کنونی مبارزه مردم و اختلافات دستبندها در درون دستگاه حکومت به تصویر کشی که اولتیماتوم گشاده آغوش جمهوری اسلامی ارائه دهد، آسیب جدی وارد می ساخت اما برای مردم فرق نمی کرد که کدام رژیم است و بفرمانت باشد، مردم از همه آنها متنفر هستند، آنچه که مردم آرزوی کنند محومه آنها و جمهوری اسلامی شان است.

در پاسخ به این سوال که چرا از میان این همه خائنین، خمینی بعد از زخمی های روی سنگر اولاد انگشت گذاشت باید گفت اولاد همیشه همان اندازه به خمینی نزدیک است که خامنه ای، سنگر اولاد از کهنه گذاشتن آن امتحان پس داده، خمینی است. ثانیا، کفایت نام این بازاری معروف در اولین انتخابات، در واقع عرض امانت مجددی بود که برای تاجرانیک که چپاول گدای به نام جمهوری اسلامی ارتقا کرده اند، نالها، بسیاری از طلب و توده کارگران رژیم که میبایست مردم را به پای صندوق ها بکشاند، به منظور فکری کنندگاری زد خلی سلطنت از شمال است، قرار دادن نام سنگر اولاد در اولین انتخابات است. در عین حال حقایق سود برای جمع کردن رای به سود خامنه ای.

اینگونه با نوری حکومت را با بدنه ای شکر در هم جا افتاد، کرد، با بدنه آن داد که کوچکترین تفاوت با هوای میان سنگر اولاد و خامنه ای وجود ندارد، با بدنه آن داد که این دوبگی از دیگری بلیدتر، یکی از دیگری مرجع شروخا شترند.

از قبل محلود بود که مردم در برابر این شعبه سازی از طلا جماران، چه واکنشی نشان می دهند، سران رژیم هم این را می دانستند، در عین حال آنها سخت محتاج بودند به نقد پیروزی گیری را به نام سخت قدرت و "ثبات" رژیم تبدیل کنند، با این هدف که حمایت غرب و سرمایه گذاری سرمایه داران بزرگ داخلی را در تولید بدست آورند، در این راستا آنها پول بازار، زور زندان و سپاه و کمیته و عوام فریبی اما با همه رباکار گشتند، چنانچه تکلیف شرعی را را رد دیگر بر سر افراد مذهبی بلند کردند، اختیارات اسلامی شان کارگردان و کارگران را به جرمه و اخراج تهدید کردند، عوام را آنها در شهر و روستا، این شایعه را در امان زندگه نهادن رای یعنی قطع جیره کوپن و غیره، همه اینها، به این منظور بود که مردم را به پای صندوق رای بکشاند، با این حال توده های میلیونی مردم آگاه ترو مقوم نرازان بودند که این فشارها و خدعه ها، عزم آنان را در تحریم انتخابات بشکند، نقشه رژیم برای کشتن اکثریت مردم به پای

صندوق ها، مفتضحات شکست خورد، در انتخابات فلانی، گرچه کار نمیداد، ارتجاع از صندوق بیرون آمد، اما واقعا این چریکان رژیم روای خمینی را رسوا نکردند، این کارگزارانی انتخاباتی که خمینی آنرا از جماران کارگردانی می کرد مردم با نفرت بسیار این کارگزاران را تماشای کردند، از طور که ایده آل رژیم بود، به بسایان تریسید و از طوریکه نمی خواست شد، سطح تحریم مردم، تحلیلا و وسیع وسیع است، دستا زهای بر محکومیت قطعی رژیم بود، رژیم نه تنها از این نمایش مرمی برخوردار می شد که مردم بر بیگانه چنانیکارش و رد کردند، نهایتا بلکه این نمایش یک بار دیگر مردم بیشتری را قانع کرد که رژیم است، این فساد خود رژیم است و با بدنه این رژیم بر گرفته از این نمایش، و نظرو قاضی به جد و اندازه سران رژیم و جدا غلای بی توجیهی مطلق به نظرات مردم و جدا غلای سقوط این رژیم ناسد در منقلب خیانت و جنایت است.

علاوه بر یکی هم که در این میان اهمیت دارد و باید مردم از آن مطلع شوند، جریان تلافی نهضت آزادی برای شرکت در این انتخابات فرما نشی نبود، نهضت آزادی با همه ادعای عربی و طویش در "تیم" به قسط و مخالفت با استبداد ولایت فقیه، یک بار دیگر نشان داد که جادو و جنابا تملیفات ای برای این بوده و هست که با خود را ببندد، با زرگان یک بار دیگر به مردم نشان داد که اندازه سازنگار و تا چه حد متزلزل و دست عنصر و غیر قابل اعتماد برای مردم است.

با زرگان در این سال گذشته در اعلامیه های خود به آنها می که صحبت تحریم انتخابات را پیش می کشیدند، حمله کرد و گفت که این افراد حاکمیت را خلی می بودیم، راست کم می گیرند، در اردیبهشت ۶۶ با زرگان سنگ خلی بزرگی برداشت، در محاسبه با لوموند گفت: "شرکت مادر دولت اسلامی منوط به تحولات شدید" در حکومت به سود نیروهای مدافع آزادی، نهایتا مخالفان حکومت است، اندکی بعد و شرط های زادی شرکت در انتخابات اعلام کرد که آزادی فعالیت احزاب مخالف و آزادی مطبوعات، آنان و غیره از جمله آن شروط بودند، اما وقتی خمینی امتیاز زد که گناش دفتر نهضت را جلوی ارا انداخت، مخالفت خود را دست دروایست فقیه و امکوت گذاشت و حاضر شد منافذ گره همین خیمه شب بازی شود.

با زرگان و جریان نهضت آزادی، در این بین انتخابات فلانی، با زرگرا بیگیری و سازنگاری خود جز بیانات امثال خود را، حتی در میانه علیه استبداد مذهبی نشان دادند، در مبارزه علیه امپریالیسم و در راه عدالت اجتماعی و آزادی مردم این جریانات سالهاست که تکلیف خود را از زمین کرده اند، با زرگان به نشانه جسم سوزنی و فرستایی پیروزی برای لیسرا ل ایران آزادی مردم بیشتر

از ولایت فقیه می ترسد، او همه نیروی مردم را در خدمت خود می خواهد، و هم آنان و مخالف آنان را در پای سناغ خود در سازنی با ارتجاع قربانی می کند، از آنجا که به قول خوش، جریان او تنها "حزب طرفدار نظام جمهوری اسلامی که مخالف حاکمیت موجود است"، که در ضمن غلبتی مانده است و از امکانات غلبتی بهره می گیرد، خطر بزرگی برای آنحرفا با رژیم مردم است.

دولتی متزلزل و سازنگاری با زرگان، به سر شالوده های اقتصادی و اجتماعی یعنی استوار است، به نفع با زرگان، از حیای سرمایه داران وابسته و برداشتن موازنه راه رشد این سرمایه داری است، او مخالف فعالیت گرونیستها و احزاب مترقی و مخالف آزادیها و حقوق اجتماعی زمینکشان است و با آن تملی شعوره، مبارزه کرده است، با زرگان مثل سرمایه دار دیگر و نهضت آزادی مثل هر جریان بورژوازی دیگر، رفتار سیاسی خود را قبل از هر چیز تابع تامین منافع اقتصادی و سود خود می کند، جریان نهضت آزادی منافع اقتصادی خود را در رژیم جمهوری اسلامی تا بین می بیند و به همین دلیل هم، انگاللات این رژیم ضد مردمی را در شیوه حکومت کردن جاگمان و بافت سیاسی رژیم خلاصه می کند.

با بدنه مبارزه قاطع علیه جمهوری اسلامی و علیه بدگفتاری خویش سرمایه داران و ملاکان بزرگ، زمینه انحراف مبارزه مردم توسط امثال زرگان را از زمین برد، با بدنه افقایی با میان رژیم و بازرگانهای این جریانات با ارتجاع حاکم، امکانات آنحرفا مبارزات مردم علیه جنگ و رژیم را از زمین بلب نمود.

اینکه خمینی، با زرگان را بلب نهادن زودخانه با زرگان و در ارتجاع نمایش از بازی بیرون انداخت، نشان می دهد که هم بین روحانیت با بخشی از بورژوازی و بین بازرگان بزرگ و ملاکان با بورژوازی صنعتی اختلافات حل شده، هنوز باقی هستند، و هم وضعیت رژیم، هنوز از نظریه نیست که وی را وادار سازد یکی از راههای نجات جمهوری ارتجاعی این را شریک شدن با زرگانها در حکومت تشخیص دهد.

نکته بسیار اهمیت در حذف زرگان از آن است که سران رژیم، شخصی خمینی، حتی به بزرگ ترین جریانات هم سخ خود که کوچکترین اما واگسری در تمامیت نمل با نعل، از دستورات ولایت فقیه نشان دادند، اجازه مشارکت در تریس بر قدرت را نمی دهند، این انتخابات، یک بار دیگر نشان داد که مردم ما، به از طریق شرکت در این خیمه شب بازیها، بلکه سازنگاری رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و استورا جمهوری دموکرا تیستک و ملی ایران، قادرند حاکمیت خود را بحق بکشند و پیوسته خویش را آنگونه که می خواهند، بدست گیرند.

رضی قهرمان

اکنون در آستانه اعدام قرار گرفته است

رفیق "رضی الدین" تا سال ۱۳۳۲ در بخش "بندخت" از توابع شهرستان گنا ساد، در یک خانواده متوسط متولد شد، پدرش معلم و خانواده اش با فرهنگ بود، "رضی" فعالیت سیاسی را از دوران دبیرستان در مشهد آغاز کرد.

هنگامی که در سال ۴۹ وارد دانشگاه فنیسی دانشگاه تهران شد، در کنار فعالیتان خلق و رفیق شهید محمود نامازی، رفیق شهید منصور فرشی سندی و رفیق در بند رژیم انوشیروان لطیفی دورتا زه مبارزه را آغاز کرد، از همان آغاز به دلیل جسارت، اعتقاد و راسخ و تحرک کمیکش، در مرکز فعالیتها ی منفسی و سیاسی دانشگاه قرار گرفت و خیلی زود از جبهه های سرچشمه جنبش دانشجویی شد.

به دنبال حماسه سیا هکل و تیرباران رهبران فدائیان خلق، دانشگاه های کشور در آغاز سال ۵۰ نظرها ت وسیع و پربار منهای را شاهید بودند، رفیق رضی به اتهام سازماندهی این نظرها ت در اردیبهشت ماه همین سال دستگیر شد، اما بازرگ سال شکنجه و بازرجویی، ساواک نتوانست حرفی از زبان او شنود، بین آزادی زندان به دلیل دستگیری عده از رهبران جنبش دانشجویی، وظایف سنگین تری به دوش رضی قرار گرفت، آموزش انقلابی در زندان، تا شهری جدی در فعالیت انقلابی رفیق برای سازماندهی و هدایت مبارزات دانشجویی علیه رژیم دیکتاتوری شاه و در راه تلاش و همکاری پیوسته جنبش دانشجویی با جنبش توده ای مردم بجای گذاشت، رفیق با انجام پیروزمندان مسولیتها ی سنگین و تاسا ت فراتر از درگاه منفسی انقلابی و فعالیت توده ای بیاندوزد.

رفیق با ردیکسر در بهمن ۵۲ دستگیر شد و یک سال تمام زبر بازرجویی بود، از رضی اطلاعاتی را در باره شبکه های انتشارات و پیش ارتباطات سازمان با دانشگاه و رهبران مبارزات دانشجویی می خواستند، "رضی" در مقابل این شکنجه ها ایستادگی

به مردم و انقلاب با کمیت و سخا طرا نشانش در مبارزه در بند نمود، خرداد ۶۱ در دست مرکز سازمان به عضویت مشاور کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) درآمد.

رفیق رضی بعد از ظهر یکی از روزهای اسفندماه سال ۶۰، توسط گشت سیا ه دستگیر شد، وی را به سرعت شناختند زیرا که از سر نشان ترسین جبهه های مسئول سازمان در بعد از انقلاب بود، این نیکار رفیق رضی الدین تا بیان دوره تازه ای از بند خورشید علیه ارتجاع را در زندان جمهوری اسلامی آغاز کرد، از همان آغاز تحت فشار شدید شکنجه گران رژیم قرار گرفت، هنگامیکه در بهمن ۶۱ پرورش به حزب توده ایران و سپس سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) شروع شد، رهبر ادوار به شدت شکنجه گاه که بدست آمد، این بار در ضمن تلاش می کرد به تاضی را خرد کند و به حبابی بگشاند که به عقایدش کوهر انقلابی اش سازمان خود بدست کند، اما حتی زمانی که بیشتر از زیر شکنجه و سزا ها خرد می کردند، محکم و استوار ایستاد.

اکنون شکنجه های بی درسی جانبگاران خمینی و تحمل تا فوق انسانی فشارها جبهه ای را جان در هم کشیده و جوگاشده که انگار دیهیمال سبب از زمین واقعی اش زندگی کرده است، رژیم خمینی می خواهد رضی الدین تا بیان را به "جرم" با بداری در عقایدش به خواجه اعدام سیارد.

رفیق رضی الدین تا بیان فرزند فرما ن خلق، کمونیست بر سابقه در خطرا اعدام قرار دارد، در دادگاههای فرمایشی و در بسته، او را به اعدام محکوم کرده اند، رای صادره به شور باغالی قضایی فرستاده شد، است، هر اسان تریف و آزاده اندیشی و طیفه دار در برای جلوگیری از اعدام رفیق رضی الدین تا بیان تلاش کنند.

ما مردم مبارز و نیروهای مترقی ایران را قرا می خواستیم تا با مبارزه و اعتراض خود را اجرای حکم اعدام رفیق رضی تا بیان جلوگیری کنند، ما همه سازمانها و محافل بین المللی و احزاب و کورهای مترقی و انقلابی را به مبارزه برای لغو این حکم ظالمانه دعوت می کنیم.

کرده، آثار شکنجه های این دوران در تمام سالهای بعد در بدن رضی باقی مانده بود، رضی در زندان شاه هم از تنوعهای مقاومت بود به دلیل سواقت در کار انقلابی و تجاربتی هواره از مسئولیت سنگین تشکیلات فدائیان خلق در زندان شاه بود، زندگه در زندان از نمونه های درخشان ایستادگی و مقاومت بود.

هیچکس چهره رضی را حتی یک روز هم بدون خنده نمی دید، سخای معنوی مبارزین کمونیست را همواره در چهره داشت، همیشه جوانان زندانی، روسی و رانزیدک ترین رفیق و با خود می دانستند، رضی، نمونه مبارزه و اعتراض زندانین سیاسی علیه رژیم شاه بود.

در بهمن سال ۵۲، که دوران محکومیتش به پایان رسید، به "جرم" اینکه هنوز بر عقایدش استوار مانده است، وی را از زندان گرفتند، در سال ۵۵، با ردیکسر به "اشغال" فعالیت سیاسی و ایجاد گروه زندانین تجدید محاکمه و به ۴ سال دیگر محکوم کردند و تا زمانی که انقلاب فرزندانش را زندانها بیرون کشید، در زندان بود.

از لحاظ خروج از زندان، مجددا در ارتباط با سازمان قرار گرفت و بی ریزی و هدایت دانشجویان پیشگام که سرپرده رفیق گذاشته شد، خانه کوچک که رضی در آن زندگی می کرد، مرکز تصمیم گیری و رهبری همه تظاهراتی بود که در آستانه قیام ۲۲ بهمن توسط فدائیان خلق انجام می گرفتند، رفیق رضی فعالیتان از جمله سازماندهندگان تظاهرات بزرگ ۲۱ بهمن ۵۷ بود که به گذشتن قیام مسلحانه خلق انجام مید.

پس از انقلاب، به مسولیت سازمان دانشجویان پیشگام را به عهده داشت و در تشکیل سازمان جوانان فدایی خلق ایران (اکثریت) نقش برجسته ای ایفا نمود، در سازمان جوانان، دبیر کمیته مرکزی و مسئول کمیته ایالتی جوانان تهران بود، در همین حال در هیات اجرایی کمیته ایالتی تهران سازمان فدائیان خلق ایران بود، تمامی رفقای که با رضی کار می کردند، از سخت کوشی و ایثار و در راه انقلاب و مبارزه، در سهای فراوانی می مواختند، رفیق تا بیان به یابی خدماتش



اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

درباره

توطئه اعدام و کشتار رهبران زندانی سازمان

هم میهنان گرامی!
مردم مبارز ایران!

حکام جنایتکار رژیم جمهوری اسلامی، توطئه خونینسی را برای اعدام و کشتار رهبران و سر به نیست کردن رهبران در بند سازمان ما، طرح ریخته و اجرای آن را تدارک می بینند. انتشار اخبار محاکمات و اعدامهای مختلف، توسط دژ خیمان خمینی، منظور زمیننه سازی اجرائی نقشه های جنایتکارانه شان، گویای جدی وفوری بودن آنها است که علیه جان این فرزندان قهرمان خلق تدارک گردیده است. خبرهای رسیده حاکی است که برای رفیق رضی الدین تابان عضو مشا و رزمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در بند دگا ههای در بند حکام مرتجع خمینی، مخفیانه حکم اعدام صادر کرده و این حکم را برای تأیید به شورایی قضایی فرستاده اند.

رفیق رضی الدین تابان، از انقلابیون سرشناس و با سابقه دوران مبارزه علیه رژیم شاه و از رهبران برجسته جنبش دانشجویی و جوانان کشور است که طی ۳ سال گذشته قهرمانانه و با نامروری بیولادی زین شکنجه های وحشیانه و مستحرجمی روانی استنادی گردیده است. رفیق رضی الدین تابان در میان زندانیان رژیم جمهوری اسلامی بعنوان مظهر یقا و متدربرا بر دلان، مظهر سرفرازانان و ایمان به خلق، شناخته شده است. رفیق انوشیروان لطفی عضو مشا و رهیات سیاسی کمیته مرکزی سازمان، طی ۲ سال گذشته در جنگ دژ خیمان جمهوری اسلامی، زیر شکنجه های وحشیانه قرار داشته است. رژیم تاراج را از اعلام رسمی، هر گونه خبری درباره او خودداری کرده است. توطئه قتل جنا پیکارانه در زیر شکنجه، جان وی را بطور

بتناسبت آغاز بقیه از صفحه اول رژیم در با تعلق جنگ گیر کرده است. او هر چه بیشتر تقاضا کند، بیشتر در آن فرومی رود. تلاشهای مذبحخانه خمینی جزیه نکست او، جزیه کشتار فرزندان عزیزش مانع نشده و نمی شود. رژیم در جنگ به این بست رسیده است. سران جمهوری اسلامی شخصی خمینی برای خروج از این بن بست، برای پیروزی در جنگ به هر گاه روشی دست می زنند و با هر شیطانی متحد می شوند. آنها حاضرند در راه آزادی بلید خود، همه جوانان کشور را نابود کنند و همه کشور را ویران سازند. آنها که همه تنوع امتیاز بیستیه امپریالیستی را روی پای می زارند، می دهند، تاسد این جنگ به جای مدام از جمهوری اسلامی حمایت کنند، اکنون آشکارا از آمریکا هم استفاده می نمایند و اما دهنده بهیای محکم کردن زنجیرهای وابستگی همه جانبه کشور ما به امپریالیسم آمریکا، با اصطلاح پیروزی در جنگ را در ادبیاتی از خون جوانان ما جشن بگیرند. اما آمریکا همچنان امتیازات بیشترتری درخواست می کند و با تهدید و ترغیب، رژیم خمینی را به معامله کلان بر سر منافع و مصالح ملی و میهنی ما فراموشی می خواند.

خمینی جنگ را ادامه داد، چون خیال می کرد به این وسیله حکومت خود را محکم می کند و جمهوری اسلامی را در عراقی نبره می سازد. او دام جنگ را در راه شما گسترده و ملی حال خود گسرتافته است. حالاهه علیه جنگ هستند، مبارزه و مقاومت شما علیه جنگ، سران جمهوری اسلامی را به وحشت انداخته است. آنها در جنبش ضد جنگ شما، رژیم تبهکار خود را در خطر می بینند. از آنجا دو مبارزه شما علیه جنگ بیشتر از سبب افکن ها و توبوتانک مدام می ترسد. دید رژیم خمینی با تظاهرات حق طلبانه مردم ایران چه کرد و چگونه نیروهایش را از جبهه مقابل مدام برای مقابله با شما فرا خواند. اگر شما یکبارچه و متحد علیه جنگ بیاخیزید، رژیم خمینی نمی تواند ایستادگی کند. کلیه صلح در دست شماست.

نیروهای ترفیخواه و صلح طلب ایران!

صلح، خواست فوری همه مردم ایران است و بیشترین نیرو را علیه جمهوری اسلامی بسیج می کند و بیشترین اختلاف را در حکومتیان می افکند. همه مخالفان و احزاب صلح دوست چنان و همه نثریت ترفیخواه و بیستیشناس مبارزه صلح طلبانه ما هستند. مطمئن و استوار، علیه جنگ متحد شویم، به خصوص متفرقه و مدفوع خود پایان دهیم. مردم از همه ما اتحاد و یکتایی می طلبند. به نژادی به حق آنان پاسخ مثبت دهیم. با اتحاد خود در جنگ رژیم را کوتاه سازیم.

هموطنان مبارز!

امسال هم سران رژیم می کوشند هفته جنگ براه اندازند. شعار "جنگ، جنگ، جنگ تا پیروزی" و "موشک جواب موشک" را شعار مردم جا بزنند و هزاران نفر دیگر را روانه کشتار کنند. آنها خواهند کوشید با باها هو و حمال و با سو استفاده از احساسات مذهبی

جدی تهدیدی می کند. رفیق انوشیروان لطفی که از مبارزین برجسته و سرشناس و با سابقه جنبش انقلابی ایران است، هم در رژیم شاه و هم در رژیم جمهوری اسلامی زیر نواغ شکنجه های وحشیانه و بی وقسه، دلیرانه در برابر دشمن ایستاده است. اینک توطئه، جان دبگیر رفقای کمیته مرکزی سازمان ما را که طی سالهای گذشته در جنگ دشمن استبر بوده و میثاق است، زیر شدیدترین شکنجه های جلادان خمینی همچنان شجاعانه ایستادگی می کنند. تهدیدی می کند.

رژیم جمهوری اسلامی که در نقشه متلاشی کردن سازمان فدائیان خلق و لطمه زدن به اعتبار آن مفتخانه شکست خورده، رژیم که از شکنجه های وحشیانه رهبران اسپراسازمان راه بجایی نبرده و در رسیدن به اهداف بلید خود، ناکام مانده است، اینک به تلاشی آن شکست، اعدام و کشتار رهبران رهبران اسپراسازمان را تدارک دیده است.

مردم مبارز ایران!

خمینی از اوج گیری مبارزه شما علیه جمهوری اسلامی در هر اسات. اومی دانند که فدائیان خلق برای پیروزی مبارزات بحق شما از هر گز از پای نخواهند نشست. از اینرو توطئه تازه ای را برای نابودی فرزندان قهرمان شما در زندانها راتدارک دیده است. حکام سفاک رژیم، با تگانه فرامین بلید شخص خمینی از هیچ جنایتی فروگذار نمیستند. آنان طی سال گذشته، رفیق قربانعلی مؤذنی پسر عضو مشا و رزمیته مرکزی سازمان و رفقای قانع خشکیجاری، مرتضی میثی، منصور پورجوم و... از کادرهای برجسته سازمان را پس از شکنجه های وحشیانه به قتل رسانیده و سر به نیست کرده اند، چرا که این فرزندان قهرمان خلق با یقا و متدی بیولادین در برابر تراجاع ایستادند و دلیرانه از آزادی کموشیم و از صلح و آزادی، از استقلال و حقانیت سوسیالیسم دفاع کردند.

رژیم ارتجاعی و ضد مردمی خمینی هیچگاه حاضر نیست دادگاه علنی برای فدائیان خلق

با ابداع در عیب و وحشت در جامعه، جنگ را ادامه دهند. هفته جنگ را به هفته مبارزه همه جانبه علیه جنگ رژیم تبدیل کنند. مانع اعزام فرزندان و عزیزان خود به جبهه شود. در جبهه و پشت جبهه علیه جنگ تبلیغ کنید. مراسم تشییع و ختم قربانان جنگ را به نمایی اعتراضی خود علیه جنگ رژیم تبدیل کنید. در کارخانه ها و ادارات، برای صلح اعتصاب کنید، با دگانها و قرارگاههای پاسداران را با شعار صلح بیرون نیدو ما شین کنید رژیم را قلع کنید. در محلات و خیابانها تظاهرات کنید، از هر فرصتی استفاده کنید و علیه جنگ، علیه خمینی جنگ افروز اعتبار و تظاهرات بیرونی را بزرگ کنید.

هموطنان آگاه و مبارز!

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در سر تا سر کشور، برای متحد و هماهنگ کردن مبارزه مردم علیه جنگ و جمهوری اسلامی مبارزه می کند. شما به کشور با زگرد، حکومت خمینی سرنگون شود و به جای آن حکومت خلق مستقر گردد. از بسا روزه فدائیان خلق حمایت کنید، بیویند خود را با انسان محکم تر سازید. به سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، مدافع پیگیر راه استقلال میهن و آزادی و خوشبختی مردم ایران بیویند تا به جنگسگ و جمهوری اسلامی پایان دهید و صلح و جمهوری ملی-دموکراتیک را در کشور برقرار کنید.

زنده باد صلح
پیروزی باد مبارزه خلق در راه سرنگونی
جمهوری اسلامی

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
شهریور ۱۳۶۴

برای گسترش جنبش ضد جنگ

با فرارسیدن شهریورماه رژیم جنگ طلب خمینی می کوشد تا با برگزاری "هفته جنگ" تبلیغات وسیعی را در اندازد، جنگ طلبی خود را توجیه کند و مردم را فریب دهد. با یدیا بهره گیری از کلیشه امسکات، سیاستهای جنگ طلبانه رژیم را افشا و رسوا سازیم و نگذاریم خمینی با سوء استفاده از تنفر مردم نسبت به جنایات رژیم صدام، خود را در ادامه جنگ حق جلوه دهد.

هر روز که می گذرد، اعتراض و مبارزه مردم و میهن ما علیه جنگ رژیم بیش از پیش شدت می یابد و زمینه برای گسترش هر چه بیشتر مبارزه شوده ای فراهم می گردد. از این نظر اکنون ضروری است شیوه ها و تاکتیک های تازه را که تاکنون یکسار ر گرفته ایم با شیوه ها و تاکتیک های تازه ای که بتواند سرعت و تحرک ما را افزایش داده و موفقیت ما را در بر مشکل کردن مبارزه توده ها بیشتر کند، تکمیل کنیم. ضروری است رزمندگان فدائیان خلق و سایر نیروها و عناصر انقلابی و مترقی بکوشند تا با بکارگیری تمامی ابتکارات، مبارزه توده های

تشکیل دهد. زیرا دادگاه فدائیان خلق دادگاه محکومیت جنایات و خیانت های رژیم خمینی، دادگاه دفاع از صلح و آزادی، دفاع از کارگران و دهقانان و محکمه رسوایی این هیات تاکمه مرتجع است. هم میهنان مبارز!

برای خشنی کردن توطئه اعدام و کشتار جنا پیکارانه فرزندان انقلابی و میهن پرست و قهرمان خلق، که عملی جز مبارزه در راه پیروزی شما، نابودی ظلم و ستم و استعمار و ساختن ایران آزاد و دموکراتیک و صلح دوست انجام نداده اند، اعتراض کنید. خمینی جلاد را از ارتکاب با یسین جنایت بازدارید.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، از همه احزاب سازمانها و نیروهای ترفیخواه و انقلابی ایران دعوت می کند که در افشای توطئه رژیم و دفاع از جان فدائیان اسپر، سازمان را یسیناری کنید.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، از همه نیروهای ترفیخواه و آزادیخواه جهان و از همه نهادهای سازمانهای بین المللی مدافع حقوق بشر و حقوق زندانیان سیاسی تقاضا دارد همه توان خود را بکار برگیرد، رژیم جمهوری اسلامی را زیر فشار بگذارد تا از اجرای احکام اعدام و کشتار رهبران زندانی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) جلوگیری شود.

درد به زندانیان سیاسی ایران
پیروزی باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی

مرگ برا میهنی لیم جهان نمی برسد
امپریالیسم آمریکا

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
۲۵ مرداد ۱۳۶۴

خلق علیه جنگ رژیم ضد مردمی خمینی را زیر آنگدی و سازمان نا با فنگی بیرون آورد و به رشد و گسترش آن اعلا بخشند.

از این نظر توجه جدی اعضا و هواداران سازمان به رهنمودهای زیر ضروری است:
- اعلامیه ها، تراکت ها و شعارهای سازمان و نیتر مقالات نشریه کار علیه جنگ رژیم را بسط کرده و نشریه های شکل ممکن در کارخانجات، مدارس، دانشگاهها، با دگانها، سینماها (در هنگام تعطیل شدن آنها) و اجتماعات گوناگون بخش کنید. از روشهای متنوع و مناسب بخت، با بیرونی سازی تبلی سوزجوبید.

- شعارهای سازمان در رابطه با جنگ و خمینی جنگ افروز را هر چه وسیع تر در میسرهای بیرونی و آمد بر دیوارها نقش زید، در کویکها، تلیفن و اتوبوسها و... بنویسید. در نقاط مناسب کارخانجات مدارس، دانشگاهها بیرونی دیوار بپسید.

- به تبلیغ شفا می علیه جنگ رژیم در محیط های کارگری، آموزشی، جبهه ها، با دگانهای نظامی، صفی انوشیروان خرید، قهوه خانه ها، جمعیات خانوادگی، در میان کارمندان و مراجعان به ادارات و در هر اجتماعتی که به دلایل گوناگون تشکیل می شود، بپردازید.

- اخبار مبارزه مردم علیه جنگ رژیم، در نقاط مختلف کشور را هر چه سریعتر به اطلاع دیگر هم میهنان برسانید. گزارش کامل، مشروح و لحظه به لحظه تظاهرات مردم در راه مبارزه، ضرورت ایگان با عکس نا آنجا که می توانید هر چه سریعتر از بیرون رادیو و نشریات سازمان ارسال دارید. در جهت ایجاد هماهنگی در حرکات اعتراضی و شعارهای مردم بکوشید.

- پس از مبارزانه ای محل های مسکونی شهرها، بلافاصله در محل حاضر شوید، اعتراض مردم به جنگ رژیم را سازمان دهید. در میسرهای حرکت مردم علیه جنگ رژیم شعار دهید. تراکت و اعلامیه بخت کنید. جلوی تبلیغات عوامل حکومت در محل حادثه را بگیرید. تشییع جنازه کشته شدگان و بنیانها و همچنین جبهه ها را به تظاهرات علیه رژیم جنگ افروز خمینی تبدیل سازید.

- با افشای سیاستهای جنگ افروزانه خمینی رژیم را در فریب دادن سازمان و اعزام آنها به جبهه ناکام ترگزاردید.

سران جمهوری اسلامی با لاجبا زیرشان، پرستاران کارمندان و روانشناسان زمینکن اتوبوسها و کامیونها را به جبهه می فرستند. به آنها در مبارزه و مقاومت علیه این اقدام ارتجاعی یاری کنید.

- کارگران را تشویق کنید تا برای جبهه ها کار نکنند، به جبهه ها نروند، علیه جنگ اعتصاب کنند، به گس کردن قوفاشان توسط رژیم جنگ افروز خمینی بیش از پیش اعتراض کنند و به مقابله با تبدیل خط تولید کارخانجات به تولید مواد سل نظامی بفرزند.

رفقا و همزمانان!
در چنین شرایطی که خمینی جنا پیکار می کوشد بقیه در صفحه ۵

مصاحبه با رفیق مهدی فتاویور

سوال : انتخابات ریاست جمهوری را چگونه ارزیابی می‌کنید ؟
 جواب : فکر نمی‌کنم این مسأله در حوضه سیاست امروز ایران آنقدر اهمیت باشد که ما لازم باشد خیلی مفصل به آن بپردازیم . در واقع هیچ اتفاق تازه‌ای نیفتاده است حتی همه چیز درست همانگونه که پیش‌بینی می‌شد انجام شد . بخصوص دروغ‌هایی که رژیم‌نظر مریفرت دربارت ره شرکت وسیع مردم در انتخابات بگوید ، اما راست اینست که شعار تحریم بودم پیروز شد . همه گزارش‌های ما نشان می‌دهد که در انتخابات اکثریت بزرگ مردم از رای دادن خودداری کرده اند . البته آخوندهای محلات طبق معمول عده‌ای از جهنم روین ترسانده به پای صندوق‌ها برده‌اند عده‌ای هم که در محظورنای و وزن و بچه بوده‌اند رفعت‌اندا مسا اینها هم قابلیت محدودی را تشکیل میدادند این را که انتخابات نشان داد رژیم با زهم منظورتر شده است این را باید همه جا بگوئیم .

سوال : سی و یکم شهریور سال پنجم جنگ به پایان می‌رسد ، موقعیت کنونی رژیم در جنگ و نقش شمار صلح در مبارزات مردم علیه جمهوری اسلامی را چگونه ارزیابی می‌کنید ؟
 جواب : ادامه این جنگ ، تنها به سود آمریکا و متحدان آن و به سود رژیم خمینی است . زیان ادامه جنگ ، تنها نصیب مردم ایران و عراق است . خسارات جنگ عظیم است . مردم ما و مردم عراق برای جبران این خسارات باید آنها را بپردازند . برای سال انرژی و پول و وقت بگذارند . بخشی از این خسارات اصلا قابل جبران نیستند . چنان‌ها از دست رفتند در این جنگ لغنتی رانی توان با زیاست . با زگردانیدن سلامت مدها هزار معلول غیرممکن است .

بالحال، خمینی با اینکه قادر به پیروزی در جنگ نیست با زهم همچنان به جنگ ادامه می‌دهد . خمینی به این دلیل هرگز قادر نیست در جنگ پیروز شود که مردم ما با جنگ خمینی که منظوران لشکرکشی به عراق و فتح آن کشور است ، مخالفتند . خمینی که خودش را در با تسلط جنگ گیرانداخته ، دیگر به این سادگی‌ها راه پس و پیش ندارد .

مردم ما از این جنگ متشنفند ، مردم ما یکبار چه صلح می‌خواهند ، صلح خواست فوری همه مردم ایران و فراگیرترین شعار ملی است . صلح بیشترین نیروها علیه جمهوری اسلامی سیح می‌کنند .

اگر همه سازمانها و احزاب مترقی و صلح دوست ایران در مبارزه با طاغوت دست یابی به صلح عمل خود را هماهنگ سازند ، بسیار بعید است که سران جمهوری اسلامی قادر به مقابله با جنبش صلح باشند ، می‌توان و باید مقاومت عودانده جمهوری اسلامی در برابر صلح وارد هم شکست .

سوال : اخبار در سازمان مجاهدین خلق تحولاتی که از طرف رهبری مجاهدین انقلابی و بعدولوزیک نام گرفته‌رویداده‌است . رهبری مجاهدین این تحولات را بسیار رحدی ، با اهمیت و اساسی معرفی می‌کنند . این رویانده‌دوبی آمده‌های را چگونه ارزیابی می‌کنید ؟

جواب : آنچه‌که از سوی رهبری مجاهدین ، انقلاب ایدئولوژیک نام گرفته‌است ، در شرایطی اتفاق افتاده که اولاً سران همه‌جا بنه‌رویش به بالاترین سطوح آن در سالهای اخیر رسیده و قدرت سرکوب رژیم را بیش از گذشته ضعیف کرده‌است ، ثانیاً مبارزه مردم علیه جنگ و رژیم با شتاب بسیار در حال گسترش است و در نظر هرات توده‌ای جوانان و وسطگمان شورها ، در جنبش ضد جنگ و در جنبش اعتراضی و مطالباتی توده کارگران خود را نشان می‌دهد . در این شرایط حساس همکاری و اتحاد عمل هر چه وسیع تر نیروهای مترقی و انقلابی ایران برای با سخگویی به تیارهای جنبش مردم ایران بیش از هر وقت دیگر لازم شده و از رهبری سازمانهای مترقی و مبارز ایران بالاترین سطح احساس مسئولیت و تلاش را می‌طلبد . مجاهدین خلق بعنوان یکی از نیروهای جنبش ملی و دموکراتیک ایران نیز در این راستا نقش و وظایف معینی دارند .

این انقلاب ایدئولوژیک " مجاهدین کمک کرده است که نیروهای ملی و دموکراتیک ایران بهم نزدیک شوند با آنکه برآکنده‌ی خود درادامن است ؟ است ؟ شما کافیی است یک نگاه کننرا به ما همد ۲۵۲ و سندان از یادنا دریا بیدکه این "انقلاب" متاسفانه دوری سازمان مجاهدین را از این نیروها بیشتر کرده است . مجاهدین خودشان می‌گویند که ، این "انقلاب" را بر اماندا ختمیم که به "سوم الفراعن" برسیم و این مجاهدین خلق و غیرمجاهد خلق تفرقه پیدا نداشتیم . مجاهدین تا آنجا پیشرفت کرده‌اند که سازمانهای سیاسی تفریقخواه را به سنا نه انتقال دادند و ارجحیت خودشان در مرکز این "انقلاب ایدئولوژیک" قرار داده ، در "جبهه ضد انقلاب" قرار داده‌اند . یعنی هیروان مجاهدین علا و اماندا تصمیم گرفته‌اند که کاری نکنند که همه بداند آنها نیروهای ما رکیستی - سنیستنیستی

ایران را متحد خود نمی‌دانند . و از آنجا بیشتر فاصله می‌گیرند . البته روشن است که اینگونه مرز بندیهای ساختگی به زیان مبارزه مردم با این یکجسی از بیامندهای بسیار مخرب این "انقلاب" بوده است . اگر به این مرز بندیها در چارچوب سیاست مجاهدین نسبت به امپریالیسم و احزاب بورژوازی غرب و واکنش غرب نسبت به آنها توجه کنیم ، ابعا در زیان بار آن روشن تری شود .

می‌دانید که مجاهدین تلاش می‌کنند جاب پست غرب را در مبارزه‌شان علیه رژیم خمینی جلب کنند . مسأله اصلی این است ، جلب حمایت به چه قیمتی ؟ امپریالیسم معلوم است که از حمایت چه می‌خواهد . کافی است سخنان اخیر مورفی ، گزارش اخیر وزارت خارجه آمریکا درباره حقوق بشر را که در آن نامه ۵۰۰ دهین سال لگندکنفرا نس هلسینکی انشاده‌اند و نیز مطالب روزنامه‌های امپریالیستی را مطالعه کنید تا روشن کرد که آمریکا تلاش می‌کنند که مجاهدین خلق را به کمک تشدید و تشویق در همه عرصه‌ها به مواضع دلخواه خود نزدیک تر سازد . مورفی در سخنان خود بیست و نماندگان کنگره آمریکا که به مناسبت‌های مختلف از جمله ۳ خرداد در حمایت از رهبری پیامی می‌دهند ، هشدار داده که این جریان در گذشته تعدادی مستشار آمریکایی را از خود کرده است و افراطی و فائو رکیست مذهبی است . در گزارش وزارت خارجه دربارت حقوق بشر ، مجاهدین غیر مستقیم ترور است‌های بمب گذار عنوان شده‌اند . استرا تا زهای آمریکا بی با ایسن فشارها می‌خواهند که مجاهدین را به سوی دریاغ سبزی که امپریالیسم آمریکا از طریق پیام‌های کنده‌ها نشان می‌دهد نزدیک کنند ، در حال حاضر آمریکا بپای می‌خواهند که مجاهدین را وادارند که از رکیست‌ها و نیروهای ترقی خواه کشور ، از کشور هستی‌ای وسپالیستی جهان دور شوند ، در نتیجه چنانچه مبارزه علیه امپریالیسم فعلی نکند ، مجاهدین بی پایست در برابر این فشارها با یستند ، اما متاسفانه سازمان مجاهدین چنین نمی‌کنند . مبارزه علیه آمریکا در نهایت مجاهدین حتی در تبلیغات آنها بسیار کم رنگ و محوشده‌است . این "انقلاب" با عسث می‌شود که مجاهدین قیمت با زهم بیشتری در جلب حمایت غرب پیدا زند .

بالاخره از بی آمده‌های این "شقلاب" تشدید نقش فتل شردگم‌های مذهبی و افراطی گری مذهبی در فعالیت سیاسی و اجتماعی ، و در مناسبت‌های درون سازمانی مجاهدین است . این "انقلاب" و بیامندهای مخرب آن تصادفی نیست ، بلکه نتیجه سرچرک مجاهدین در سالهای اخیر بوده است . جوهر این "انقلاب" تلاش برای انحصار مطلق جنبش رژیم خمینی به قیمت تشبیت مستگیری‌های راست روانه سالهای اخیر است .

اما سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ، علیرغم این انتقادات تنها با رژیم خمینی علیه مجاهدین راهمواره قاطعانه محکوم می‌کند . مجاهدین را در مبارزه علیه رژیم خمینی متحد خود می‌دانشیم و ما مقابل سرکوب این رژیم ارتجاعی از آنان پشتیبانی می‌کنیم ، این کار وظیفه همه انقلابیون است . می‌دانید که پلنوم مه‌ماه ۶۳ اعلام کرد : سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ، سازمان مجاهدین خلق ایران را به همکاری و اشتراک مساعی برای پیشبرد مبارزات خلق ایران در راه صلح علیه امپریالیسم در راه همکاری و اتحاد طرا میسن عدالت اجتماعی فراموش ، رودناو قعسی مبارزه در کشور این همکاری و اشتراک مساعی را فروری می‌سازد ، اما میداوایم که در موله‌کنونی مبارزه علیه رژیم خمینی و برای با زگردانیدن صلح و آزادی به میهمان ما مجاهدین زمان مشترک بیابیم .

سوال : در حالی که نیروهای رژیم محملات تازه‌ای را علیه جنبش ملی خلق کرده‌اند ، درگیری‌های خونین بین حزب دموکرات کردستان و کومله همچنان ادامه دارد . نظرتان در این باره چیست ؟
 جواب : ادامه این درگیری بطور مسلم به زیان جنبش ملی خلق کرداست و تنها خمینی و ظفکران او از این درگیری سود می‌برند . مطلقاً نمی‌توانیم سازمان ما دربارت کرده ، نیروهای سرکوبگر رژیم از این خونریزی بسیار خوشحال هستند و در بسیاری از منافع فرماندهان جناحیکار رسی‌نادر کردستان را با بخشیرینی شادی خود را برآ کرده‌اند . آنها به اتحاد مختلف در ادامه این خونریزی تلاش می‌کنند .

به نظر ما عوامل معینی موجب این خونریزی بی هدف و مخرب و ادامه‌آن شده است . اولین عامل سیاست مخرب و کینه توزانه کومله نسبت به حزب دموکرات کردستان است . سیاست کومله نسبت به دموکراتها ، روح دشمنی میان آنان را دامن می‌زند ، عامل دیگر ، توقفات حزب دموکرات از کومله تصمیم از حزب برای وادار کردن کومله به ترک مواضع خود از طریق قهرآمیز است . اینها ، عوامل متک دخاللی مسبب این فاجعه بشمار می‌روند ، اما نباید فراموش کرد که نقش توطئه‌گری و ما نیر و هستی‌ای رژیم خمینی در خرابکاری و ایچناد و

دا من زدن به این درگیرها فوق العاده جدی است . مردم کردستان ، تفرقه افکنی در مغوف جنبش ملی خلق کرد را محکوم می‌کنند و سازمان ما همانطور که در پیام اخیر کمیته مرکزی سازمان به خلش که مبارز کرده اعلام گردید ، به عوارض منفی این کار هشدار می‌دهد و همه نیروهای جنبش ملی کرد را به وحدت و اتحاد با یکدیگر دعوت می‌کند . سازمان ما بجز دموکرات کردستان ایران را به همکاری و گسترش مناسبات با هدف ترگونی رژیم جمهوری اسلامی و استقرار جمهوری دموکراتیک ملی دعوت کرده است . این هدف مهم‌ترین مسأله است که ما و آنها را ی آن توافق نظر داریم . البته بین ما و آنها در بسیاری زمینه‌ها یساست حال و گذشته ، اتفاق نظر وجود ندارد . اما بر این نظر هستیم که گسترش ارتباط با جنبش ملی خلق کرد ، می‌تواند در بسیاری زمینه‌ها ، از جنبش و تا شپردا کنده تفاوت نظرات بگاهد . در حال ما فکری کنیم آنچه‌که ضرورت فوری و حتمی دارد ، اولاً ، خانه دادن به تفرقه و درگیری میان نیروهای جنبش ملی کردستان و ژانیا ، کوشش به منظور تقویت جبهه مبارزه علیه رژیم خمینی در سراسر ایران و اجماع در کردستان است . فدائیان خلق در سراسر ایران و در خارج از کشور در همین جهت حرکت می‌کنند .

سوال : چه نقش و تاثیر برای مبارزه در خارج از کشور ، در سرنوشت مبارزات داخل ایران قایل هستید . در این زمینه شما چه مسئولیتی دارید و بر نامه سازمان کدام است ؟

جواب : قبل از هر چیز باید به این نکته اشاره کنم که تجربه مبارزات خارج از کشور در دهه‌های دهه دهه ، ناگهرا هرجی ان مترقی خارج از کشور نیروی اصلی خود را در خدمت رهبری فکری و عملی مبارزات مردم در داخل کشور و در سمت گسترش با یکه توده‌ای آن قرار ندهند ، در بهترین حالت از مبارزه مردم جدا و دوری افتد و به جراتی تبدیل می‌شود که به انواع آلودگیها مبتلات و از این رهگذر ، انرژی فعالین خود را که بهر حال محصول مبارزه مردم است ، بپهری دهد . تنها کافی است سر نوشت دهها جریان را که در آن دوره فعال بودند ، با طبر بسیار ورده ، ان دسته از جریاناتی که امروز نیز باقی مانده‌اند ، با فاشدن تشریحی جدی در مبارزات کنونی در داخل کشور هستند و فقط تا شیر بسنیار محدود به جای می‌گذارند . جریانی که برای بدست گرفتن رهبری انقلاب و کشور بیگاری می‌کند ، لزوما درک می‌کنند که به مبارزه نیروها در خارج از کشور بهشتا به بخشی از جبهه مبارزات مردم در داخل است که تا خارج از کشور گسترش می‌یابد ، و بهشتا به ستاد پشتیبان آن ، نگه‌کنند .

شما می‌دانید که خوشبختانه سازمان ما یکسی از فعالترین و گسترده‌ترین شبکه‌های فعالیت منفی انقلابی در داخل کشور را هدایت می‌کند . اما همانطور که در گزارش پلنوم در ماه ۶۳ آمده‌است ، متاسفانه سازمان به نقش و اهمیت ایجاد گسترش سازمانها ی خارج از کشور توجه لازم را نداشت . در یک ساله اخیر ، کوشش‌های تازه‌تری صورت گرفته است که این کمکاری جبران می‌شود ، ایجا دشربه اکثریت و تقویت کادر دشربه به منظور تبدیل آن به شماره سازمان در خارج کشور ، تقویت کارهای رهبری کمانه‌های خارج از کشور و تا سین کمیته تشکیلات خارج کشور و تمرکز همه موارد آن ، ای جمله مهم‌ترین اقداماتی است که طی یک ساله اخیر صورت پذیرفته‌اند . اکنون در ادامه این اقدامات ، هیات سیاسی مرابا مسئولیت شما بندگی کمیته مرکزی در اروپا و مسئول کمیته تشکیلات خارج کشور سازمان انتخاب کرده است .

عمده ترین وظایفی که در این مرحله ، به عمده کمیته ما گذاشته شده ، تقویت کارآیی و عملگسرد سازمان در خارج کشور در جهت کمک هر چه فعال تر به امر مبارزه انقلابی در داخل کشور و پشتیبانی سیاسی سازمانی ، مالی ، تدارکاتی ، تبلیغاتی از یکبار رزمندگان فدایی در ایران است . ما می‌باید قادر شویم اجد کشرمکانات موجود ، که ای فاعا قابل ملاحظه‌است ، در این جهت بهره بگیریم . شما می‌دانید که در حال حاضر بر اثر اختناق خونینی که خمینی بزمیمن ما حاکم کرده است ، رهبری بسیار از جریاناتی دموکراتیک و انقلابی ایران در خارج مستقر شده است ، سرقراری تماس و رابطه با این جریانات عملا تنها در خارج از کشور امکان پذیر است . اکنون با تأسیس بنیادی کمیته مرکزی سازمان در اروپا ، امکان فعال کردن این ارتباطات در سطح مطلوب برای سازمان فراهم آمده است .

گسترش مناسبات با نیروهای تفریقخواه یا سبیر کشورها انتشار "بولتن اطلاعاتی" سازمان به زبانهای زنده دنیا در این اواخر ، در این راستا بوده است . جلب حمایت مردم کشورهای دیگر از مبارزه‌ای که میان برگ وزندگی در کشور ما در بار ، یکسی دیگر از عرصه‌های مهم فعالیت خارج از کشور سازمان است . بالاخره می‌باید از اهمیت گسترش فعالیت

ادمه جنایات رژیم در کردستان

با فرارسیدن مردادماه هجرت سال از هجرت سراسری و وحشیانه رژیم خمینی به کردستان پنجمین سال گذشت. مردودا سال ۱۳۴۸ پس از درگیریهای پانزده کشته مزدوران جنگ افروزی رژیم با عتاق بودند، خمینی جنایتکار رسماً دستور حمله به کردستان و سرکوب مردم مبارز خلق طلب کرد. اما در کردستان لشکریان در خویشتن را به منطقه اعزام داشت. از آن تاریخ تا به امروز سرکوب خلق کرد و وحشیانه ترین صورت اعدام به یافته رژیم از هیچ جنایتی علیه مردم محروم و زجر کشیده کردستان در پی نگرفته است. سرکوب شدن مردمی که حق طلبانه و لگدمال کردن حقوق ملی خلق کسب اساس سیاست جمهوری اسلامی کردستان است، ولی خلق کرد که در شمال شال گذشته آماج بمب و گلوله و نیز قتل و محرومیت های گوناگون سیاسی و اقتصادی رژیم بوده، علیرغم همه جنایات و تبعیض ها مبارزه خود را در جهت تا مین خود مختاری کردستان پیگیرانه ادامه داده است.

در آستانه ششمین سال حمله به خلق کرد، رژیم جنگ افروزی خمینی، در مانده از تحقق اهداف ارتجاعی خویش، تدارک حمله و سستی را به کردستان دید. جندی پیش سبیه با ساداران مرکزی اطلاعیه های از کلبه کسانی که برای اعزام به کردستان و شرکت در سرکوب خلق کرد مانده اند، دعوت کرد تا خود را به مرکز بسیج معرفی نمایند. رفسنجانی جنایتکار نیز در دیدار با عده ای از اعضای سبیه با ساداران نیز از بیاراییان دوره آموزش اعزام کردستان بودندند به مشکلات رژیم در جنگ کردستان و به ضرورت سرکوب هر چه شدیدتر کردار داشته نموده و گفت: "ما می دانیم که یکی از کارهای مشکل، جنگ در کردستان است". او افزود "تنهایی که در کردستان با شما طرف هستند، بدتر از عراقی ها هستند، شما با بدترین دشمن اسلام مواجه هستید... با آنها با نهایت شدت برخورد کنید."

رژیم برای گسترش سرکوب و وحشیانه خلق کرد طی ماه های اخیر جدا از اعزام مجدد نیرو به منطقه کوشش نمود تا جنوهای اصلی عبور و مرور در کنترل خود بگیرد. بدین منظور تعداد زیادی پایگاه ها و مراکز جدید ایجاد نمود و کنترل محورهای سبیه - باختران و سنجاق - همدان را شدیدتر کرد. اکنون نزدیک به ۲۰۰ پایگاه است که لشکریان خمینی با توپ و تانکو و سایر نظامی سنگین هم میباشند که در آنها با اعزام یورش قرار داده اند. هر روز رژیم از "فتح روستا ها" و "پاکسازی" آنها اقدام میزند تا اطلاع نظامی صادر می کند. بسیاری از روستا ها که آماج حملات رژیم و پاکسازی قرار گرفته اند، نابوده شده و دهقانان و زحمتکشان آواراه کوه و بیابان گردیده اند، خانه و گاشانه و مزارع مردم آماج بمب و گلوله های توپ رژیم اند.

بسیاری از شهرها و روستا های نرمرزی به دلیل بمبارانهای توپخانه رژیم خمینی و هواپیما های رژیم جنایتکار عراق از سنگین خالی شده اند. شهرها با نه و مریوان به برهانه تبدیل گشته اند. میزان خسارتها و تلفات در پیرا شهرها، آشوب و سرشت بسیار سنگین است. هم اکنون مهاجران و پناهنده های ژرفایان جنایتهای خمینی و صدام روبروست که از نظر معیشتی سخت در تنگنا بسر می برند.

ستم و مصادقه جمهوری اسلامی بر خلق کرد و صفت ناپذیر است. ویرانی و خرابی، فقدان خدمات بهداشتی و درمانی، تعطیل مدارس، عدم توزیع کالاهای ضروری و روزمره مردم در شهرها و روستا های منطقه، دستگیری و زندان و اعدام فرزندان مبارز خلق کرد، آزار و اذیت روستاییان به بیانه های واهی و... کوشه های از ظلم و ستمی است که ایمن رژیم به مردم کردستان روا داشته و می دارد.

متأسفانه، در چنین شرایطی که ضرورت دارد از همه امکانات و نیروها علیه رژیم خمینی سو دجست، درگیریهای حزب دموکرات کردستان و کومله همچنان ادامه دارد و قربانی می گیرد. این درگیریهای بی حاصل موجب نگرانی خلق کرد و تضعیف روحیه آنها شده و سران مرتجع جمهوری اسلامی را خوشحال کرده است. با بدهر چه سریعتر این درگیریها با شیوه های مصلحت آمیز خاتمه داد، در شرایطی که هجوم ددمنشانه رژیم علیه خلق کرد شدت یافته است، باید همه انرژی و توان مردم کردستان، علیه رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی بسیج گردد. خلق کرد علیرغم همه دشواریها مصمم و استوار یورش اخیر حکام جنگ افروزی جنایتکار جمهوری اسلامی را خشنی خوا و هکند و در جهت تا مین خود مختاری کردستان و تحقق همه خواسته های ملی خود به مبارزه و مقاومت قهرمانانه خویش ادامه خواهد داد. راه پیروزی، با اوج گیری مبارزه مردم سرکوش و علیه رژیم جنگ طلب خمینی و با آرازمردی و حمایت مردم سایر نقاط کشور با مبارزات عادلانه و حق طلبانه خلق کرد، با زهم هوا و ترخوا همدند.

شکنجه و اعدام در زندانهای صدام

اخیراً، کمیسیون عفو بین الملل با انتشار گزارشی، بار دیگر از جنایات رژیم صدام در مورد زندانیان شکنجه های وحشیانه و اعدام های جنایتکارانه، از روشهای متداول رژیم عراق در مقابل انقلابیون و مبارزین است. گزارشی عفو بین الملل، حاکی است که بر اساس شهادت پزشکان عراقی، طی سال ۱۹۸۲ - ۸۳ از یک هزار نفر از زندانیان سیاسی، در زندانهای عراق قتل گرفته شده است. شکنجه های قرون وسطایی جان بسیاری از زندانیان را در خطر مرگ قرار داده است. رژیم صدام جنایتکار برای آزار و اذیت زندانیان، آنها را به روی میله های آهنی می بندد و روی آنها می چرخاند و تیر میزند. بدن آنها را می سوزاند. گزارش مور د بحث حاکی است که ماوران امنیتی عراق سر تعدادی زندانیان را در محفظه آهنی مخصوص گذاشته و با تاباندن اشعه ماوراء بنفش چشمان زندانیان را کور می کنند. در مواردی دیده شده است که پوست بدن زندانیان را کشفه اند، اخیراً در عراق ۱۹ نفر اعدام شده اند که ۱۰ نفر از آنها از مبارزان حزب دموکرات کردستان عراق بوده اند. عفو بین الملل، اعلام داشت که توصیه های مکرر آن تا کنون توسط رژیم عراق مورد توجه قرار نگرفته است.

وضع اسرای جنگی ایران در عراق با انگیزه دفاع از زمین، طعمه جنگ طلبی حکام خائوس جمهوری اسلامی و آتش افروزی صدام جانی شده اند، بهتر از این نیست. رژیم سرکوب عراق مثل رژیم خمینی حقوق اسیران را با نسیال و آنها را زیر فشارهای شدید قرار می دهد. رژیم صدام مدت ها است می کوشد تا درین راه رفتار غیر انسانی جمهوری اسلامی با اسرای جنگی که بشویت مترقی و افکار عمومی جهان نیا ن آنرا محکوم کرده اند، برجنایات بیشتر و اعمال فاشیستی خود نسبت به هموطنان ما که در عراق اسیرند، سرپوش گذارد و قیافه حق به جانب خود بپوشد.

رژیم عراق هم اندر رژیم ارتجاعی و استبدادی جمهوری اسلامی، ترور و شکنجه و اعدام بی سابقه ای بر کوش عراق حکم کرده اند. انقلابیون کمونیست عراقی و نیروهای مبارز خلق کرد در عراق و دیگر کشورهای دموکرات و ترقیخواه، تحت شدیدترین فشارها و محدودیت ها قرار دارند و ددمنشانه سرکوب می شوند.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، ترور، اختناق، شکنجه و اعدام کمونیست ها و مبارزین عراقی، توسط رژیم ضد مردمی صدام و اعمال فشار و شکنجه بر اسرای جنگی را محکوم می کند و از مبارزات بحق و عادلانه مردم عراق برای رهایی از سلطه رژیم صدام و ترور و شکنجه های بی شمار می خواند.

اعدام مجاهدین خلق را محکوم می کنیم
خمینی جنایتکار همچنان خون می ریزد و گروه فرزندان مبارز خلق ما را که در بنه رژیم گرفتار آمده اند، به جوخه اعدام می سپارد و رژیم شکنجه ناپذیر می کند. رژیم خمینی در شکنجه و کشتن زندانیان سیاسی روی همه حکام جنایتکار و کشتن جهان را سفید کرده است.

متأسفانه، در چنین شرایطی که ضرورت دارد از همه امکانات و نیروها علیه رژیم خمینی سو دجست، درگیریهای حزب دموکرات کردستان و کومله همچنان ادامه دارد و قربانی می گیرد. این درگیریهای بی حاصل موجب نگرانی خلق کرد و تضعیف روحیه آنها شده و سران مرتجع جمهوری اسلامی را خوشحال کرده است. با بدهر چه سریعتر این درگیریها با شیوه های مصلحت آمیز خاتمه داد، در شرایطی که هجوم ددمنشانه رژیم علیه خلق کرد شدت یافته است، باید همه انرژی و توان مردم کردستان، علیه رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی بسیج گردد. خلق کرد علیرغم همه دشواریها مصمم و استوار یورش اخیر حکام جنگ افروزی جنایتکار جمهوری اسلامی را خشنی خوا و هکند و در جهت تا مین خود مختاری کردستان و تحقق همه خواسته های ملی خود به مبارزه و مقاومت قهرمانانه خویش ادامه خواهد داد. راه پیروزی، با اوج گیری مبارزه مردم سرکوش و علیه رژیم جنگ طلب خمینی و با آرازمردی و حمایت مردم سایر نقاط کشور با مبارزات عادلانه و حق طلبانه خلق کرد، با زهم هوا و ترخوا همدند.

مدرسه ودانگه ... بقیه از صفح اول

آموزش و پرورش با کمبود ۷۰ هزار معلم مدارس ابتدایی، ۱۵ هزار دبیر و پرویا شد. اقدامات تهیه کارانه ارتجاع در دانشگاه ها نیز، آموزش عالی در زمینه ها را با بحران جدی مواجه ساخته است. وزیر علوم و آموزش عالی در آخرین گزارش خود به مجلس اعلام کرد که: "در سال ۵۹ حدود ۱۸۰ هزار دانشجو در رشته های مختلف در سال ۱۵۰ هزار نفر است". او اضافه نمود که در سال ۵۷ به ازای هر ۱۲ دانشجو یک استاد بود و اینک به ازای هر ۲۳ دانشجو یک استاد داریم. این فاجعه فرهنگی نتیجه سیاستها و اقدامات متناقضانه ارتجاع است که شخص خمینی از همان آغاز حرکت آن را مستقیماً و با دقت تحت نظر داشت و مسئولان آن توسط خود او انتخاب شده اند.

حکام جمهوری اسلامی برای تحقق مقاصد ارتجاعی خود موقتاً بلبه با افکار روفعالیتهای ترقیخواهانه، اختناق و خفقان بی سابقه ای را در دانشگاه ها و مدارس کشور حکم ساخته اند. هزاران دانشجو و دانش آموز به جرم فعالیتها، اندیشه ها و فعالیت های سیاسی محیط های آموزشی اخراج شده و یا در زندانها بسر می برند. تعداد کثیری از آنها تاکنون به جوخه های اعدام سپرده شده اند. بلا و رژیم دسته دست دانش آموزان را با فریب و تحمیل به قتلگاه جنگ میدانهای مین روانه کرده و می کند. مدرسه ای نیست که تعدادی از دانش آموزان آن در راه اهداف پلی دیکتک طلبانه خمینی کشته نشده باشند. ترس از مرگ محضوم در جبهه ها بر جان تمامی محصلین سالهای آخر مدارس جنگ انداخته است. بیگاری و آیدنه تاروشن برای تحصیل و کار و زندگی چون شیخی هولناک آنرا راتهدید می کند و بالاخره اعتیاد و انواع فساد و هرگی فرا بنده محمول شوم سیاستهای رژیم خمینی، زندگی توده عظیم جوانان کشور را به تبااهی می کشد.

در مجموعه چنین شرایطی است که سال تحصیلی میلونها دانش آموزان دانشجوی کشور از می شود. شرایطی که رویا رویی و مبارزه علیه رژیم رانیه جزئی گریزنا پذیر از زندگی و فعالیت تحصیلی آنان مندمل می سازد. اینک مدارس کشور عرصه اعتراضات گسترش یافته محصلین، اولیاء آنان و معلمین دلسوز و متعهد است. مخالفت و مبارزه علیه تهریه و انواع هزینه های تحصیلی، علیه کمبود مدرسه و معلم و وضعیت اسفناک آموزش، علیه فعالیت ارتجاعی امورتربیتی و جاسوسی نجنمهای اسلامی، مبارزه علیه فقری گری و خفقان و اخراج معلمین و دانش آموزان، ... و با لخره فعالیتها و روزگسترش بیشتری می یابد.

در دانشگاه ها نیز علیرغم سرکوب خونین و جنایات بارجنین دانشجو ها، ارتجاع نتوانست صدای مبارزه دانشجویان را خاموش سازد. در صدان رژیم از بیم اوج گیری مجدد مبارزات دانشجویان، کوچکترین حرکات آنرا در حوال خواسته های صنفی را با ارعاب و خفقان سد کرده اند. ارتجاع با همه قوا می کوشد تا دانشگاه ها را از جنبش اوج با بنده تودهای دورنگداره، اما نخستین حرکات و اعتراضات دانشجویان و دانشگا هیان مبارز آزادیخواه آغاز شده و توسعه می یابد.

علاوه بر آن دانش آموزان و دانشجویان در نظا هرات توده های دانشگاه ها علیه جنگ و رژیم صورت می گیرد. فعلاً لانه شرکت می کنند. شرکت فعال آنان در کوی ۱۳ آبان، در نظا هرات مهر و آذر ۶۴ و روزنگاه جدید و در نظا هرات آذر بیست و شش ۶۴ مشهود و در دیگر شهرها از آن جمله اند.

بایستی جنبش سراسری دانشجویان ایران از طریق مبارزه کوشنی دانشگاه ها احیا شده و نقش خود را در مجموعه مبارزات مردم ایران علیه جنگ و رژیم با زیا بد، بایستی مبارزه توده دانش آموزان سازمان یابد به جنبش نیرومندی بدل شود. شرکت دانش آموزان یا بد به جنبش ترقیخواه انقلابی آنان، چنین امری را ممکن می سازد. مدرسه و دانشگاه با بنده سنگر دفاع از حقوق توده دانش آموزان و دانشجویان و به سنگرمبارزه انقلابی تبدیل شود و نقش خود را در پیوندن با جنبش توده زحمتکشان با زیا بد.

بایستی جنبش دانشجویان، بقیه از صفحه ۳ با تبلیغات گسترده، شعار ارتجاعی، جنگ، جنگ پیروزی " را در مقابل فریاد صلح خواهی مردم زجر دیده و آگاهانده، بخش فرا عامه، تراکت و نوشتن شعارها را قرار دهد و بسیج گروه ها مانده ای و ارتقا مبارزه مردم علیه جنگ و رژیم گولدهای است به قلب جنگ افروزان و دشمنان مردم. رهنمودهای فوق را مورد بحث قرار دهد و به روشها مقتضی همه هواداران و دوستان سازمان و نیروها و عناصر انقلابی و دموکرات و مخالف جنگ را، از آنها مطلع سازید. در جهت غنی تر شدن تجربیات خود از انعکاس آن بکوشید. پیروزی از آن خواهد بود.

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی

چگونه میتوان با تاکتیکهای تازه ساواک رژیم مبارزه کرد

ما ۶۳ شاخص است. تا شیرت شمر بخش ایدئولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی پلنوم همراهمه موجد است حکام واضحا بیشتر تشکیلات سازمان و تشدید در حقیقت - تعرضی انقلابی کار در راه، اعفاء و هواداران کرید. در او خراسان ۶۲، که رژیم می فهد همه تلاشهایش برای دستیابی به رهبری شکست خورده است، تصمیم می گیرد علیه سازمان ما، سازمان یافته و تسمیر متمرکزتر از گذشته عمل کند. بدین ترتیب دوره تازه تهاجم رژیم علیه سازمان ما برای مقابله با تعرض فداشیان خلق ایران علیه رژیم - است. اساسا زمانی شود که مقارن است با متمرکز شدن کلیه واحدهای اطلاعاتی و عملیاتی رژیم در سازمان واحدا اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی.

رژیم برای وارد آوردن ضربه موثر به سازمان نیاز به آن داشت که از نحوه سازمان ندهی، ارتباطات، امکانات و مسئولین سازمان، شناخت جدیدی کسب کند. زیرا بخشی از اطلاعاتی که تا این مقطع در اختیار داشت، دیگر کهنه و بیاصلاح سوخته بود. عمده ترین تاکنیک های رژیم در آغاز دوره دوم سرکوب، عبارت بودند از تضعیف و مراقت جبهه ششانی که کارها و فعالیت سازمان، دستگیری آنها و کفایت ارتباطات و امکانات جدید، دستگیری و شکنجه و حشیانه تعدادی از رهبران و مسئولین سازمان با هدف کسب اطلاعات و وارد کردن آنها به نفیسی سازمان و اندیشه و راه انقلابی خود برای وارد آوردن ضربه روانی به فداشیان خلق ایران، گوشه جبهت کشف سیستم های ارتباطی سازمان در داخل و خارج کشور، از طریق کنترل مکالمات تلفنی در داخل کشور، و کنترل تماس های تلفنی داخل و خارج و همچنین کنترل شدید ارتباطات پستی و ...

در همین دوره، رژیم تلاش کرد که بنا بر مرتبیت شده و او را کم جمهوری اسلامی نیز کسب آن را که زیر سر شکنجه های وحشیانه شکسته شده بودند، سازمان ما نفوذ دهدتا از این طریق به اطلاعات مورد نظر دست یابد.

در این دوره اگر چه تعدادی از فعالین سازمان دستگیر گردیدند و تحت وحشیانه ترین شکنجه های فیزیکی قرار گرفتند و اسباب های جدیدی به تشکیلات وارد آمد، ولی تشکیلات سازمان با بطور عمده حفظ شد و به فعالیت انقلابی و روبرو شد خود ادامه داد.

در شرایط کنونی مجموعه فاکت های عینی و ارزیابی ما و کار رشتها، بیانگران است که سران رژیم از گسترش تبلیغات انقلابی و افشار گرانسه فداشیان خلق ایران و گسترش دامنه تاثیرات آگاه هگران و سازمان دهنده و وسیع گشوده آن در میان طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان خضکیکن هستند و هر اس دارند. با صدور بیانیه مشترک و طرح شنا سرنگونی رژیم پس از پلنوم موفقیت آمیز مهر ۶۳، ایمن ختم و هر اس افزون تر شده است.

اظهارات سران رژیم در رابطه با نقش سازمان فداشیان خلق ایران (اکثریت)، در جریان اعتماب عظیم و بیپرونده کارگران ذوب آهن و خط هرات وسیع بوده ای فدیجنگ زحمتکشان کوی ۱۳ آبسان تهران، تنها دو نمونه بروز علنی هر اس رژیم است. از این رو رژیم اکنون اشکال پیچیده تسمیر و سفاکانه تر فشار و سرکوب را در پیش گرفته است. در عرصه تشکیلاتی رژیم می گوید حرکت انقلابی سازمان ما را محدود و سد نماید. اکنون تحقیق و مراقبت ها و تلاش برای دستگیریها افزایش یافته. کنترل نامه های پستی مخصوصا نامه های ارسالی به خارج با مبادی صورت می گیرد که در هیچ دوره ای باقیه نداشتند. به نحوی که اکثر نامه های ارسالی به خارج چه به شکل معمولی و چه با استفاده از روشهای دستگاه های گوناگون بازمی شوند و بخشی از آنان پس از قرائت و بررسی، به آدرس مربوطه فرستاده شده و بخشی زیادی هم توسط رژیم ضبط می گردند. در مواردی که موران رژیم پس از باز کردن نامه ها تغییراتی در متن آن وارد کرده، اطلاعات جعلی بر آن می افزایند. و در موارد بسیاری که نامه ها با جوهر های نارنجی معمولی نوشته می شوند، توسط موران ساواک با اخذ و راه بنفش ویا روشهای دیگر خوانده می شوند.

همچنین رژیم در مواردی تلاش کرده است تا از طریق ردهایی های تلفنی، رفقای زنده ما را به اسارت در آورد. این تلاشها مخصوصا زمانی که یک امکان بطور مکرر مورد استفاده قرار گرفته است، صورت گرفته است.

روشن است که بین واحدهای امنیتی و اطلاعاتی رژیم، با سرپوشی های اطلاعاتی امپریالیستها و کشورهای ارتجاعی منطقه هماهنگی و همکساری صورت می گیرد، از جمله این همکارها خرسد و فرشی اطلاعات است که از طریق کنترل مکالمات، مراسلات پستی و طرق دیگر بدست سرپوشی های جاسوسی امنیتی غرب می افتد.

با در نظر گرفتن موارد فوق و مواردی به دیگر رهبری سازمان ما به همه واحدهای تشکیلاتی اسبلاغ کرد که از زمانه هرگونه اطلاعات تشکیلاتی و قابل

هر چه بیشتری گذرد، رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی ختم و نفرت و اعتراض خلق را بیشتر علیه خود برمی انگیزد. و روشی وسط دامنه اعتراضات توده ای، سران رژیم را نگران می کند که مبادا حرکت های خود انگیخته مردم توسط کمیونیتها و نیروهای انقلابی سازمان ما با بدو به سطح جنبش کلاسیک سیاسی که سرنگونی قطعی رژیم و ایجاد تحولات عمیق دیوکراتیک را هدف قرار می دهد، نکامل یابد.

از این رو، رژیم برای مقابله با جنبش توده ای روبه رشد، به شدت از هر زمان دیگری به سرکوب پستگاه می برد و به سرینزه و به واحدهای متمرکز اطلاعاتی و نظامی می شود.

سیاست سرکوب رژیم قبل از همه، متوجه سرکوب عنان گسیخته و وحشیانه احزاب و سازمانهای انقلابی مخصوصا نیروهای جنبش کمیونیتی ایران است. هر قدر که جنبش توده ای اوج می گیرد و بیشتر دامنه و عمق آن افزوده می گردد، هر قدر که تلاش آگاهانه و وسیع گشوده نیروهای انقلابی مخصوصا نیروهای جنبش کمیونیتی افزایش می یابد، رژیم بر تلاشهای سرکوب گرانه اش می افزاید.

تمرکز کلیه واحدهای اطلاعاتی رژیم از طریق ایجاد وزارت اطلاعات، جلب وسیع عناصر و آگاه گسترش همکارهای دو جانبه و چند جانبه بسیار سرپوشی های اطلاعاتی و جاسوسی غرب، تنبیه در سازمان های باسداران بنظروا افزایش قدرت سرکوب آن، ایجاد انواع گشت های شهری با عناوین و بهانه های گوناگون، از جمله تلاشهای رژیم در این رابطه است.

هدف این تلاشهای رژیم آن است که طبقه کارگر و مردم زحمتکش را از داشتن سازمانها و احزاب انقلابی و پیشرو خود محروم کند و جنبش توده ای را با شکست مواجه سازد، تا دامنه حیات تنگین خوراتا مین نماید.

سازمان فداشیان خلق ایران (اکثریت)، بهمانه گردان بینا هنگ طبقه کارگران، همواره در معرض انواع دشمنی های این رژیم ضد مردمی قرار داشته و رژیم همواره و از زمان آغاز در جبهت جمع آوری و اطلاعات لازم از رهبری، کار در راه و هواداران از سیستم تشکیلاتی و ارتباطی و امکانات سازمان کرده است.

در او خراسان ۶۲، در جریان حمله جنا پتکارانه رژیم به حزب توده ایران و پس از آن، سیاست سرکوب گرانسه رژیم علیه سازمان فداشیان خلق ایران (اکثریت) وارد مرحله جدیدی شد. طی این مرحله که تقریباً تا او خراسان ۶۳ ادامه یافت، اساس نقشه سیاست سرکوب رژیم علیه سازمان ما، ردهایی و سپس دستگیری دستگاه رهبری سازمان بود. رژیم خیال می کرد که با دستگیری رهبران سازمان می تواند آنرا کاملاً متلاشی کند. هدف تلاشهای رژیم هم آیین بود، ولی با اتخاذ تدابیر ضروری و موقع توسط رهبری سازمان، جهت حفظ و ادامه کاری دستگاه شکست کامل مواجه گردید.

رهبری سازمان بطور عمده موفق گردید که اطلاعات رژیم از رهبری را که در سالهای ۶۱-۵۸ از طریق ردهایی ها و اطلاعات حاصل از دستگیریهایی دوره کار عملی ونیمه علنی بدست آورده بودند و همچنین اطلاعاتی که به وسیله آگاهی کارشناسان گشوده شدند و خود را تسلیم رژیم نمودند بدست رژیم اقتدا نمود. به اشکال مختلف سیاسی خود بخشی سازد. طی این دوره (دوره عقب نشینی)، سازمان موفق شد که اولاً، رهبری و بخش عمده کار در راه و امکانات انتظامی و مالی خود را از زیر ضربه دشمن خارج سازد. تشکیلات سازمان را بر اساس ضروریات کار مخفی سازمان تدهی تسموده و ارتباطات را با سازمانی نماید.

انجام این امور بسیار مهم و حیاتی توسط رهبری سازمان، در شرایط صورت گرفت که رژیم از یکسو تلاش می کرد با بهره برداری از ضربه وارده بر حزب توده ایران تخم نومیدی در میان نیروهای جنبش کمیونیتی ایران بپراکند و از سوی دیگر سرکوب رهبران کار در راه و اعفاء سازمان را در نظری و تضعیف و دستگیر کند و عموماً مل مزدور خود را در درون سازمان نفوذ دهد.

اگر چه طی سالهای ۶۲ و ۶۳، رژیم جمهوری اسلامی توانست چند نفر از اعضای رهبری و کار در راهی مسئول و اعضای فعال سازمان را اسیر نموده و عده ای از آنان را به شهادت رساند و به بخشی از امکانات سازمان آسیب وارد آورد، ولی در طی این تسمیر تا بر اسرار سازمان ما بیپرونده.

در نیمه دوم سال ۶۳ دوره عقب نشینی بطور عمده تا باین می یابد و تعرض مقابل سازمان آغاز می شود و فعالیت با اسباج جدیدی گسترش می یابد رهبری سازمان تلاش می کرد که فعالیت فداشیان خلق با ضرورت های عینی گسترش یافته جبهت تسموده ای منطبق گردد. در این رابطه تشکیل پلنوم موفقیت آمیز سازمان فداشیان خلق ایران (اکثریت) در مهر

ردگیری از طریق پست و تلفن به شیوه عادی بویژه بین داخل و خارج کشور خودداری نموده و استفاده از شیوه های قابل اعتماد مرموزی و نامرئی نویسی را در دستور کار خود قرار دهند.

در همین حال لازم است تذکر دهیم که تمامی این تشبیهات و تشبیهات بیره مردمی رژیم شایع است. استفاده ما از امکانات ارتباطی از جمله پست و تلفن کرده، بلکه با بدو سایل، طرز کار و روشهای خرابکارانه دشمن را شناخت و با استفاده از شیوه های مرموز و مطمئن با خرابکاری رژیم مقابل گردان این امکانات استفاده نمود.

در شرایط کنونی عرصه دیگر تلاش رژیم علیه سازمان ما متوجه آن است که به اشکال مختلف به درون شبکه تشکیلاتی سازمان نفوذ کند. تاکنون عمده ترین و موثرترین وسیله ای که رژیم تلاش کرده در این راه بکار گیرد، دستگیری عناصری از تشکیلات در راه های مختلف و اعمال فشار بر دشمن بر آنان بنظروا در اگر دشمنان به همکاری با ساواک رژیم و اعزام مجدد آنها به درون تشکیلات است. عدم هشاری و تیزبینی و عدم رعایت دقیق ضوابط کسب مخفی، مخصوصا دادن اطلاعات غیر ضروری به افراد جذب و مسئولیت دادن به افراد بدون اطلاع دقیق و همه جانبه از سوابق آنان و بدون بررسی دقیق آخرین وضعیت سیاسی و امنیتی آنان، بدترین امکان را برای نفوذ عناصر شکسته شده که در خدمت رژیم قرار گرفته اند، فراهم می آورد.

برخی کانال های دیگر که رژیم برای نفوذ در سازمان، قصد به سرداری از آنها را دارد، عبارتند از: استفاده از زندانیان و فعالین سابق و اعفای بعضی که ارتباط خود را با سازمان قطع کرده و غیر منقاد، تا با پایداری و متزلزل اند، اعزام ما موران رژیم تحت پوشش هیواداری از سازمان و با اعزام ما موران خودی بعنوان مسئول یا رابط سازمانی و همچنین اعزام اعفاء و فعالین نادم دیگر احزاب و سازمانهای سیاسی به درون تشکیلات سازمان تحت عناصروان پذیرش خط می و بر نامه سازمان، و ادا رگسار دن افرادی که کمکیایی حینی به سازمان می دهند به همکاری با رژیم و یا اعزام عناصری از رژیم جهت ارائه کمک مالی و تدار کاتی کاذب، با هدف کسب اطلاعات.

رژیم در بکارگیری روش نفوذ، هم هدفهای کوتاه مدت و هم هدفهای دراز مدت را در نظر دارد. هدف کوتاه مدت رژیم آن است که با کسب اطلاعات در عرصه های مختلف از جمله شناخت مسئولین و کار در راه و با امکانات و نحوه ارتباطات و سرکوب تشکیلات، ضرات مشخص و مسوئلتا کتکی وسیع و یا محدود تر سازمان وارد آورد. هدف دراز مدت دستگاه اطلاعاتی رژیم و سرپوشی های امنیتی امپریالیستی آن است که ضرات استراتژیک و اساسی بر سازمان وارد نمایند. تجربه جنبش کمیونیتی ما و تا حدی احزاب کمونیت و نیروهای انقلابی و ترفیخواه دیگر کشورها بیانگر آن است که روش نفوذ یکی از عمده ترین و خطرناک ترین تاکتیک های پلیس سیاسی رژیمهای ارتجاعی و امپریالیستی جهت درهم شکستن احزاب و سازمانهای انقلابی است.

واحدهای سازمانی، مسئولین و کار در راهی سازمان جهت مقابله کامل و دقیق با روش نفوذ می باید ضوابط و بخشنا همه ها و دستور العمل های سازمانی را دقیقاً و با هوشاری کامل همراه با ابتکار لازم (ضمن رعایت دقیق دستورات و اصول کار اعلام شده از جانب رهبری) به مرحله اجرا گذارند. مساله دیگری که باید مورد توجه جدی مسئولین و فعالین سازمان قرار گیرد، تحقیق و مراقبت است. تحقیق و مراقبت از عمده ترین و جاری ترین روش پلیس سیاسی بطور کلی و از جمله ارگانهای سرکوب رژیم جنبشها جمهوری اسلامی است. اشکال تحقیق و مراقبت و هدف رژیم از آن در هر مرحله باید توسط انقلابیون دقیقاً کشف گردد تا مقابله موثر و سریع با آن صورت گیرد.

نخستین و مقدم ترین راه مقابله با تحقیق و مراقبت، اطلاع فوری و به موقع از آن و عکس العمل مناسب در مقابل آن است. حفظ خونسردی، داشتن استباخ عمل، تحرک سریع و به موقع از ضروریات حیاتی و الزامی در گردن تحقیق و مراقبت پلیسی است.

هر حرکت مشکوکی را باید بدقت و واقع بینی نه با ذهنی گری تحلیل کرد و سریعاً به ارگان رهبری اطلاع داد. در اسرع وقت باید از سایت دامنه رده افرا دو با به واحدها و امکانات دیگر جلوگیری کرد. هیچگاه نباید تصور نمود که امکان خروج از تحقیق وجود ندارد، همواره راه های بی برای بیرون رفتن از تور پلیس هست. برای مقابله موثر با بدو سر انقلابی در هر حرکتی از پیش، ماده بزرگساری و خنثی کردن با شدت غیر بصورت دعا را اشکالات جدی خواهد شد. مسئولین گروه های سازمانی موظف اند در راه هر قدر فعال سازمانی متناسب با وظیفه احتمالی پلیس از او، اقدامات حفاظتی مناسب را انجام دهند. ما در این رابطه نیز رفتار به رعایت بقیه در صفحه ۱۵

پنج سال کشتار و ویرانی

۵ سال است که جنگ ویرانگر و ارتجاعی همچنان ادامه دارد و از مردم زجر کشیده میهن ما قربانی می‌گیرد. سران جنگ طلب رژیم، جنایتکارانه بسر طبل جنگ می‌کوبند و دیوانه‌وار جانی زین و کودکی و بیروچوان را قربانی ماجراجویی‌های خود می‌کنند. خمینی هر چه در چرخه دست‌انداختن و آوار برداری ادامه جنگ و در راه خیال‌های واهی و توسعه طلبانه خود به میدان کشیده است. لیکن فریاد اعتراض و خشم مردم کاخ ستگران جنگ افروز را به لرزه می‌افکند و رژیم را به دست و پایی اندازد. مردم از ایمن جنگ کثیف خسته شده‌اند.

جنگ در پنجمین سال ادامه خود با دفاع جبهه آمیزی یافت. چون جنگ طلبی خمینی و همدستان او با عت شد که طی عملیات و الفجره و ۶، "خیبر" و "بدر"، دهها هزار نفر از جوانان میهن ما نابود شوند و کارخانه‌های نفتی و کارخانه‌های پتروشیمی این خله‌ها و عملیات با تبلیغات گشوف کورکن رژیم آغاز شدند و در سکوت خامه یافتند. پس از هر شکست خمینی با بیان سخنانی از این دست که: "پیروزی و شکست در دست خداست" و "ما برای پیروزی و شکست نمی‌جنگیم برای اسلام می‌جنگیم"، کوشید تا پیروان و لشکریان خود را متقاعد کند و روحیه دردم شکسته آنها را با توسل به فریبکاری‌های گوناگون بازسازی کند. به میزانی که خمینی و همکارانش از بسبب مردم برای ادامه جنگ و تحقق اهداف ماجراجویانه و توسعه طلبانه خود، ناامیدتر می‌شوند، بیش از پیش به توجیه‌های مذهبی متوسل شده و جنگ طلبی و آدم کشی خود را وسیله حفظ "اسلام" معرفی می‌کنند.

طی پنجمین سال جنگ، بمبارانهای ددم نشان شهرهای کشور ما توسط رژیم ارتجاعی صدام، ابعاد تازه‌ای به جنگ داد. صدام جنگ طلبی خمینی را بهانه کرد تا ویرانی شهرها و کشتار غیرنظامیان را توجیه کند و برای رژیم دیکتاتور خود حمایت بین‌المللی و لشکریان خود را متقاعد کند. صدام جنایتکاری و دوره بمباران شهرهای کشور ما، هزاران نفر از آنان را ویران ساخت. بسیاری از مردم شهرهای کشور به بیابانها و روستاهای اطراف پناه بردند و معا شب بیشمار می‌تحتل گردیدند.

رژیم کوشید تا از خشم و نفرت مردم علیه جنایتها و ددمدنی رژیم صدام سوء استفاده کرده و آنرا در جهت اهداف جنگ طلبانه خود مودیر به برداری قرار دهد. تظاهرات و اعتصابات مردم علیه صدام را به حساب حمایت از خود بگذارد، اما تظاهرات و اعتراضات گسترده مردم شهرهای گوناگون کشور، علیه جنگ و رژیم، مانع از اجرای چنین توطئه‌ای شد و او را ناکام ساخت.

در پنجمین سال ادامه جنگ هم میهنان خسته و زجر کشیده ما فریاد اعتراض علیه جنگ و رژیم جنگ افروز را گسترش بخشیدند و دادند. کارگران دهقانان و همه زحمتکشان در اعتراض علیه جنگ فضا را ترسکند کردند. برقراری فوری صلح به خواست عمومی و مقدم اعتراض و مبارزه هماقتار و طریقات مردم علیه رژیم مندل شد. خشم و نفرت مردم نسبت به جنگ و رژیم به حدی بود که یک جرقه کوچک آتش خشم آنان را شعله ورمی کرد و آنان را در اعتراض به مسبین جنگ به خیابانها می‌کشاند.

تظاهرات قهرمانانه مردم کوی ۱۴ آبان در روز ۲۱ فروردین ۶۴، مرحله جدیدی در اعتراض توده‌های علیه جنگ و رژیم بود. در بسیاری از شهرها مردم در اعتراض به ادامه جنگ به خیابانها ریختند و با شعارهای "جنگ، جنگ، کوی پیروزی" و "مرگ بسر خمینی" مخالفت آشکار خود را با جنگ و رژیم ابراز

نمودند. رژیم و حجت زده برای سرکوب تها هرات مردم، به نیروی نظامی متوسل شد، دسته‌های او با سر خود را به خیابانها گسیل دادند.

در پنجمین سال ادامه جنگ ما را فتنی و اعتراض در میان نیروهای مسلح رژیم گسترش بیش از پیش یافت. هزاران نفر از اعضای سپاه پاسداران در اعتراض به خیانت سران جمهوری اسلامی به انقلاب و به مردم و ادامه جنایتکارانه جنگ استفاده دادند و بیرون آمدند. رژیم برای چاره جویی اینکار از افراد ضایع و تعهد خدمت ۲۵ ساله می‌گیرد و قصد دارد به تدریج درجه نظامی دهد. عده‌ای از فرماندهان و بسیاری از افراد متعزض سپاه تصفیه شده‌اند. فرط‌های جدیدی و برای تبدیل سپاه به ارتش و سپردن وظایف نظامی به آن در دست برسی قرار داده‌اند. بسیاری از بسیجی‌ها علیه رژیم تبلیغات و وعده‌های گوناگون رژیم از رفتن به جبهه سرساز زده و می‌زنند. مجروح کردن خود با تفنگ (خودزنی)، استعفا و فرار از رشتیان، مذا و افزایش می‌یابد. بسیاری از سرپا ازان در اعتراض به جنگ و جنگ افروزی از جبهه‌ها برگشته‌اند تا در جبهه‌های رژیم شریک نشوند. این امر بیش از پیش باعث وحشت سران رژیم شده و آنها را به چاره اندیشی واداشته است. ادامه جنگ رژیم را مجبور ساخت تا علیه رژیم تنگناهای گوناگون مالی که اقتصاد کشور را آراسته و رشکستگی قرار داده است، ۴۰ درصد از بودجه کشور در سال ۱۳۶۴ را به جنگ اختصاص دهد. هم‌اکنون و نیروهای متخصص را به جبهه‌ها روانه کند. بخش قابل ملاحظه‌ای از فعالیت و انرژی وزارتخانه‌های گوناگون به جبهه‌ها اختصاص یافته است. بحران اقتصادی رشد یافته، اکنون اقتصاد کشور را در آستانه ورشکستگی قرار داده، رژیم از چاره‌اندیشی برای تخفیف آن عاجز است، کشا و وزی با بحران عمیق دست به گردیانی است، وابستگی صنعتی کشور به امپریالیستها فزونی چشمگیری یافته است. تورم، گرانی، بیکاری و فشا تها گوناگون اقتصادی برگزده زحمتکشان میهن ما سنگینی می‌کند و رژیم از هرگونه اقدام جدی ناتوان است.

لجاعت خمینی و همدستان او در ادامه جنگ و تشنج آفرینی، تا مین کشنده منافع امپریالیسم آمریکا، کلان سرمایه داران و تجار و لگربود ه است. سران رژیم طی ۵ سال جنگ، میلیاردها دلار سلاح از امپریالیستها خریده‌اند، و با زدن بودجه‌ها دلالتان اسلحه و تجهیزات نظامی، کشور ما را هر چه بیشتر در جهت وابستگی به امپریالیستها سوق داده‌اند.

چون جنگ طلبی خمینی باعث آن شده است تا امپریالیسم آمریکا موقعیت خود را در خلیج فارس و اقیانوس هند مستحکم تر سازد. با یگانه‌های متعددی ایجا دکنند و با کسبای خود را برای جاسوسی به منطقه بفرستد. امپریالیسم آمریکا با سوء استفاده از تجهیزات های توخالی و جنگ افروزانه رژیم مبتنی بر بستن تنگ هرزم، تا وگان خود را برای جاسوسی به منطقه اعزام داشت. کشورهای ارتجاعی منطقه را به سلاحهای مدرن مجهز نمود و برای تحقق اهداف توسعه طلبانه خود کما میهای مهمی به پیش برداشت. رژیم با تشنج آفرینی و بی مسئولیتی، صلح و مناسبت در منطقه را جدا به خطر افکنده است.

خمینی کوشید جنگ را به وسیله‌ای برای تثبیت موقعیت رژیم ارتجاعی خود مندل سازد. او همیشه خواستهای بحق کارگران، دهقانان و زحمتکشان را به بهانه جنگ مسکوت گذارد. مبارزات آنها برای تحقق خواستهای برحقشان را به وحشیانه‌ترین صورت سرکوب نمود. استبداد قرون وسطایی را منسقر ساخت و هرندای آزادی خواهی و حق طلبانه را فسخ کرد و کلان سرمایه داران و تجار بزرگ با زار را بر جان و مال مردم میهن ما مسلط نمود. خمینی جنگ افروز در پنجمین سال جنگ نیسز همچنان همه کوششهای صلح خواهانه مجامع

دزدان سرگردنه تا کید کرده‌اند: "تشکیل است و واحد اسلامی" از "فروتنی‌های استراتژیک انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی" است. البته روشن است که منظور آنها از این تاکیدات تحمیل جمهوری اسلامی در افغانستان است. سران این باندها چون گرگان در حال نابودی، از هر فرصتی برای دریدن یکدیگر استفاده می‌کنند و "امید همه ما را ما" هم هر چه تلاش کند، وهزار و روک یا ره دیگر است. اما مضاف بر این، جز آنکه خود را رسوا ترکند، هیچ کاری از پیش نخواهد برد.

این باندها هم از آخور جمهوری اسلامی می‌خورند و هم بندگان فشان به امپریالیسم آمریکا وصل است. قبل از ششمت منتظری با این ارادل و بی‌بشاش، نماینده فدا انقلابیان افغانی در جلسه دیگری با نماینده فدا انقلابی آنکولا (ونیتا) و نیکی را کوشه لاوس و کامپو شرکت کردند. این باندهای جنایتکار که با سران کشت آمریکا می‌رقصند، نام خود را "انترناسیونال دموکراتیک" گذاشته‌اند و ریگان هم با ارسال بنیامی از "مبارزه شرافتمندانه" آنها دفاع کرد. شرکت نمایندگان فدا انقلابیان در این جلسه و دهها نمونه مشخص دیگر به وضوح نشان می‌دهد که امپریالیسم آمریکا به چه میزان و صحنه گردان باندهای فدا انقلابی افغانی است و

بین المللی را بی نتیجه گذاشت. لجاجت سران مرتجع رژیم باعث شد تا تلاشهای جنش عدم تعهد و دبیرکل سازمان ملل و سایر برنیروها و شخصیت های مترقی و صلح دوست جهان حاصلی ندهد. جمهوری اسلامی با طرح شرط های غیرواقعی و مذاخله گرانه، هرگونه تلاش صلح خواهانه بین المللی را عقیم ساخته است.

ادامه‌هایکن توزانه جنگ، بحران رژیم را در ابعاد مختلف شدت بخشید. ادامه جنگ تضادهای درونی جناحهای حاکم را دامن زده و می‌زند. اکنون علی‌رغم اینکه خمینی سخت می‌کوشد تا در این رابطه چیزی درز نکند، ولی بحث وجدل در بالا ادامه دارد. ادامه جنگ و بی‌آمدهای مغرب آن بیشترین نیرو را علیه جمهوری اسلامی بسیج می‌کند و بی‌شکست اختلاف را در میان حکومتیان افکنده و می‌افکند. ادامه جنگ باعث تشدید هر چه بیشتر بحران همه‌جانبه رژیم است.



سران جنگ طلب و ماجراجوی جمهوری اسلامی اکنون نتوان برهم زدن تعادل نظامی در جبهه‌ها را در اندونه لژ سر مردم عقب نشینی از مواضع و سیاستهای خود و استقرار نفوذ صلح را. با توانی رژیم خمینی در بسیج مردم برای جنگ، امکان محدود نظامی و بحران آن، سبب شده است که رژیم تا کشیکهای نظامی خود را در حمله تخفیر دهد. اخیراً سران حکومت اعلام داشتند که از این پس بجای عملیات وسیع نظامی به اقدامات موضعی و عملیات نفوذی علیه عراق دست خواهند زد. پس از تخبیاد این تاکتیک، حملات نظامی به عراق ادامه یافت و درگیریهای موضعی حادث شدند. تخریب فاشتهای نیت که دستگاههای تبلیغاتی رژیم خری از درگیریهای تازه نظامی در جبهه‌های غرب و جنوب کوشش کنند. این در حالی است که خمینی جنایتکاری دانسته در جنگی بی سرانجام گرفتار آمده است و فا در نیت پیروزی زگرده و خود را بی دردمراز با تلاق جنگ نجسات دهد.

دیپلماسی جدید رژیم در رابطه با عربستان سعودی که سفر سفودا لقیصل ولید پادشاه عربستان نمودی از آن بود. ادامه کوششهای رژیم در جنب حمایت با سرکشورهای عضو شورای همکاری خلیج همچین ششگهی اخیرها شمی رفسحانی به آمریکا همگی حاکی از آن است که جمهوری اسلامی همچنان می‌کوشد تا با جلب حمایت مرتجع ترین حکومتها در منطقه و نشان دادن در باغ سبزه آمریکا، حمایت آنها از صدام را سلک کند و او را در تنگنا قرار دهد، تا شاید به اهداف ارتجاعی خود دست یابد. رژیم خمینی که از زمان فتح خرمشهر تا کنون به ایمن اندازده در مقابل رژیم صدام از موضع ضعف برخوردار نبوده است، می‌خواهند بهر تریستی شده، با توسل به هر چیزی و هر کاری "شیطان بزرگ" گرفته است تا سلطان عربستان سعودی، از خرید سلاح از آمریکا و اسرائیل گرفته تا دادن باج به رژیمهای ارتجاعی ترکیه و پاکستان و... پیروز شود. تبلیغات راه اندازده، "پیروزی اسلام" را جشن گیرد و گوی خود را از جنگال مردم برهاند.

اکنون به میزانی که خمینی برادامه جنگ پای می‌فشارد، اعتراض توده‌ای گسترش بیشتری می‌یابد. مخالفت جدی علیه ادامه جنگ و رژیم گسترش پیدا می‌کند. بحران همه‌جانبه رژیم شدت افزون تری می‌گیرد، و سرنوشت جنگ و رژیم بیشتر بهم گره می‌خورد.

بکوشیم با سازمانگری مبارزات مردم، ششین سال جنگ را به سال مبارزه و اعتراض و هر چه گسترده تر علیه جنگ و رژیم مندل سازیم و جنگ افروزان را در پیشبرد اهداف ارتجاعی و خدمردمیشان ناکام گردانیم.

تا چه ابعاد فدا انقلاب افغانستان را مورد حمایت و پشتیبانی قرار می‌دهد.

بنابر این سران رژیم جمهوری اسلامی، علی‌رغم دعاوی "امیدات و آما" و امثال او در افغانستان، در کنار امپریالیسم آمریکا، ارتجاع منطقه و دقیقاً، همراه و یار آنها و شریک حرامش بیسما آنها علیه مردم افغانستان است.

هدف امپریالیسم آمریکا و ارتجاع منطقه و نیز جمهوری اسلامی، سرنگون کردن دولت مردمی افغانستان است. اما آنها به این هدف نخواهند رسید و ریگان، ضیاء الحق و خمینی، آرزوی نابودی افغانستان را انقلابی را به گوری بریند. آخرین شاهد ما، جریان بزرگ و مردمی انتخابات شوراها در سایر شهرها و روستاهای افغانستان است که پس از تشکیل "جبهه"، پیروزی بزرگ دیگر مردم افغان است. افغانستان انقلابی همچنان به پیش می‌تازد و کام به کام مشکلات و عقب ماندگیها را بنحومطمن و قاطع حل می‌کند. آینده دیگر جایی برای دل خوش کردن ارتجاع ایران نه "مبتناق" های اتحاد گروههای فدا انقلابی بجای گذارد. سیاست ارتجاعی رژیم، در مورد جمهوری دموکراتیک افغانستان حکومت به شکست است.

"مبتناق" قم

اخیراً با دخالت منتظری، چندین ندهد انقلابی افغانی که به رژیم جمهوری اسلامی وابسته هستند، بیامنی به نام "مبتناق صلح" در قم مضاء کردند. این باندهای ارتجاعی که متعصمان در خدمت ملاکسن و پوچاشون مزدور افغانی، امپریالیسم و ارتجاع قرار دارند، همواره بر سر تقسیم پول "غنایم" و امکانات با یکدیگر جنگنده‌اند و این اوایل از این درگیریهای آنان به حدی تا لاکرت که مایه نگرانی سران رژیم جمهوری اسلامی شد. منتظری به جهت نقش باندهای فدا انقلابی افغانی در تاسمین سیاست مذاخله جویانه رژیم در مورد خلی افغانستان، با پیش کشیدنت، تا این باندها را متحد ساخته و از ضحلال اجتناب ناپذیران حلگویی کند. وی سران باندها را در قم "به حضور پذیرفت" و بر لزوم رفع اختلافات و درگیریهای گروهی، میان امت واحده اسلامی، تاکید کرد و پیوسته با دادن وعده‌های بی‌شکست کیک ما، تبلیغاتی و تا مین سخنرانیات افروخته‌تر از جانب رژیم خمینی به آنها، امضای آنان را پای ورق پاره‌ای کنار هم گذاشت. در این ورق پاره،

دهقانان علیه تحمیل نماینده به شورا

اخیرا جهاد سازندگی اعلام داشت که تا کنون در ۲۵ هزار روستای کشور "شورای اسلامی روستا" تشکیل گردیده است. همچنین اعلام شد که "تا پایان سال ۱۳۴۴ در تمامی روستاهای کشور که شرایط تشکیل شوراهای اسلامی را داشته باشد، شورای اسلامی تشکیل خواهد شد." سران جمهوری اسلامی با آنکه تاکنون در تشکیل شوراهای حکومتی توسط جهاد سازندگی در روستاها را کاملاً مہمی در جهت حل مشکلات پیچیده و مہاجرت روستاها و سایر مسائل اقتصادی اجتناب از تشکیل شوراهای روستا و انموده می کنند. نحوه تشکیل این شوراهای روستایی افشاگر این ادعای رژیم است. علاوه بر آن به روشنی مبین نقش و کیفیت شوراهای مورد بحث و میزان شرکت دهقانان در انتخاب اعضای آن و نظارت بر کار آنهاست. روزنامه کیهان چهارشنبه ۲۶ تیرماه ۶۴ درباره نحوه تشکیل شوراهای روستایی توسط جهاد سازندگی چنین می نویسد: پس از تحقیقات اولیه... شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان بیان شده و از افراد وادای طلب عضویت در شورا ثبت نام می شود. سپس مرحله تحقیق درباره داوطلبین آغاز شده و "نحس اسلامی، روحانیون، نهادها و ارگانهای مختلف در مورد داوطلبین تحقیق کرده... تصمیم گیری در مورد تحقیقات بعمل آمده، به پدیده کمیسیون مشکل از نماینده جهاد سازندگی، نماینده سنجیداری و نماینده امام جمعه می باشد." روزنامه کیهان همچنین با صراحت می نویسد: نمایندگان محترم مجلس و نیز مسئولین وزارت کشور با شناختن نام نمایندگان روستاها می دانند که در روستا مانند شهر نمی توان با تشکیل شوراهای روستایی صرفاً انتخاباتی

مطالب فوق بدان اندازه کافی افشا کننده رژیم است و نیاز به شرح و تفصیل ندارد. بسیاری از "شوراهای اسلامی روستا" که جهاد سازندگی با مور تشکیل آنهاست ارگانهای وابسته به حکومت اند که سران جمهوری اسلامی برای تثبیت موقعیت رژیم در روستاها و پیشبرد سیاستهای فدهقانی و نیز کنترل مبارزات و اعتراض دهقانان، آنها را بوجود آورده اند. این شوراها بطور عمده به حل و فصل امور حکومتی در روستاها اختصاص دارند. اعضای شوراهای روستایی مورد بحث، نه انتخابی و نه عضویت یافته اند. این شوراهای روستایی در واقع حکومت هر جا که بتوانند، جلوی انتخاب و ورود افراد مترقی و موردا اعتماد دهقانان به شوراهای روستایی در بسیاری موارد دیده می شود که اعضای جهاد سازندگی و شوراهای روستایی اندویدار روحانیون ده همسگاره و مسئول شوراهای هستند. کیفیت اکثریت ۲۵ هزار شورای اسلامی روستایی تشکیل و تأیید شده توسط رژیم از این قرار است.

رژیم می گوید تا بعناوین مختلف از تشکیل دهقانان جلویگری کند و مانع از مبارزه متشکل آنها گردد. در روستاهای که دهقانان با اتحاد و مبارزه خود، نمایندگان واقعی خویش را به شوراهای تحمیل می کنند و مانع از آن می شوند که افراد وابسته به حکومت به عضویت شوراهای درآیند، ارگانهای دولتی بلافاصله واکنش نشان داده و شوراهای منحل می کنند. دشمنی کین توارانه ارگانهای سرکوبگر رژیم با شوراهای منتخب مردم از وحشت آنان از گسترش مبارزه سازمان یافته دهقانان سرچشمه می گیرد. گوش رژیم بسرای "شوراهای اسلامی" در همه روستاها، گوشش ارتجاعی، برای فریب دهقانان و گسترش کنترل بر شوراهای روستاها و حرکات دهقانان است. نحوه "انتخابات" شوراهای روستایی برای "انتخاب" شوندگان تعیین گردیده، همچنین خارج کردن انتخابات شوراهای روستایی از ضوابط انتخابی سازمان سرکوبگر که توسط خود رژیم سرهم بندی شده و باید توسط وزارت کشور انجام پذیرد و سپردن امور آن به جهاد دهم و همه حاکم آن است که رژیم نماینده اهمیت فدرمدمی خود از شرکت و دخالت مردم روستاها در امور خودشان و در سرنگونی و مسایل کشور هراس دارد.

دهقانان میهن ما که از انقلاب تجربیات فراوانی آندوخته اند، گول عوامفریبی که رژیم رانخواستند خورد، آنها بیش از پیش ضرورت ایجاد تشکلهای خود را باو می یابند. آنها به اهمیت وجود تشکلهای مردمی که در مقابل ظلم و ستم بزرگ مالکان رژیم حاکمی آنها می ایستد، مبارزه دهقانان را سازمان می دهد و خود استهائ به حق آنها را تعقیب می کنند، پی برده اند.

دهقانان زحمتکش سرا سر کشور با ید بکوشند نمایندگان خود را به حکومت تحمیل کنند و به درون شوراها بفرستند، مانع از آن شوند که ارگانهای حکومتی، اعضای شوراهای روستایی را به دلخواه خود بیکار بند، با اقدامات فدهقانی شوراهای حکومتی مقابل و آنها را آفشاء سازند. در جهت ایجاد

اتحادیه های دهقانی که از منافع صنفی و سیاسی آنها دفاع می کنند، اقدام نمایند و برای این منظور از افراد آگاه، روستا و دهقانان مبارز و مورد اعتماد خویش حمایت نمایند.

بمناسبت سالگرد انقلاب مشروطیت

۲۹ سال از انقلاب مشروطیت ایران گذشت. انقلاب مشروطه ایران مشابه نخستین خیزش توده های مردم میهن ما، فصلی نوین در تاریخ مبارزات مردم ما گشود. آماج انقلاب برانداختن استعمار استبدادشان و قاجار و نفوذ آلیم و دودمیر و نشان خود را بر جنبش های انقلابی سالی بعداً میسران (جنبش جنگل، قیام شیخ محمد خیا با نی در تبریز و قیام خراسان) برجای گذاشت.

تجاربزرگ آن زمان که در مرحله اول انقلاب در مقام رهبری قرار داشتند، پس از رسیدن به "مشروطه" خویش، در اتحاد با اشراف و ملاکان به خلع سلاح و سرکوب توده ها پرداختند و تبریز قهرمان را به بلخ کشیدند و قهرمانی چون ستارخان را کشته عنوان قهرمان ملی را از دست مردم دریافت کرده بود از سراره برداشتند.

در انقلاب مشروطیت توده های زحمتکش که در نتیجه استعمار روحیانه استعمارگران داخلی و خارجی به تنگ آمده بودند، با آرمان یاران دادند. استبداد، قطع دست استعمار و انجام اصلاحات دموکراتیک با آن و دل پای به میدان نهادند. اینان با توجه به شرایط آن روزی کشور از سوی سوال دموکراتها یعنی اصلاح کمونیستهای ایران و بویژه شخصیت های نامدار کمونیست چون حیدرخان عمو و غلی و دیگران نمایندگان می شدند. مرقظار از عناصر صروحنی خود با که به جهت پیوستگی بنا فتنان با اصناف و کسبه خرده یا در صف مردم قرار گرفته دستگا روحانیت در انقلاب مشروطیت به دروغش تقسیم می شد. بخشی از آنان از همان آغاز به جهت موقعیت خاصی که جامعه فئودالی برای آنها فراهم کرده بود در کنسار ارتجاع قرار گرفتند. اینان در سیمای شیخ فضل اله نوری، مرتجع می خمبختی اورا اصل ترین روحانی آن دوران و شهید اسلام می شناسند، از همان آغاز با شعار "مشروطه" خواهی در برابر مردم قرار گرفتند، بخش دیگر دستگا روحانیت در آغاز جنبش پیوستند و به موازات زرفش جنبش به رویا رویی بسا مردم کشیده شدند.

اینک پس از گذشت قریب به ۸۰ سال، در میهن ما ارتشین شیخ فضل اله نوری از قدرت سیاسی راد دست دارند. روحانیت حاکم ایران هنوز از ضربتی که در انقلاب مشروطه بر آنان وارد آمده است، زو زمه می کند. رژیم جمهوری اسلامی هر ساله از انقلاب مشروطه با عزا و ماتم یاد می کند. این رژیم ضد بشری با آرزوهای انقلاب مشروطه با عنوان دفع فاسدیه (اطلاعات مراد ۶۳) مراحتما در برابر مشروطه خواهی سالی اول قرن بیستم از استبداد قاجاری دفاع می کند. جمهوری اسلامی ایران دوران مشروطه را تاریخ سقوط حاکمیت فرهنگها، تمدن ها و اعتقادات می نامد (هما نجاب) و با نومه سرایی ها در ثرائ سلطه آسیب دیده اعتقادات قرون وسطایی و خرافات فضل اله نوری ها نشان می دهد که وارث نیکویی برای ارتجاع کهن است. با زماندگان رژیم شاهنشاهی با استناد بر جتایات رژیم جمهوری اسلامی، در زیر بیرق پوشیده سلطنت مشروطه برای استقرار مجدد دیکتاتورسی محدود در شاکی در لیباس دیگر، سینه جاک می کنند. رژیم مشروطیت اگر چه برای ۸۰ سال قبل در قلابه با خود گامی قاجاری گامی به جلو برد، ولی هنوز مرکب دستخط اعلیحضرت همایونی خنگ نشده به رژیم فدرمدمی و ارتجاعی بدل گشت.

سلطنت طلبان امروزی مشروطه را علم کرده اند تا در برابر بزرگی ولایت فقیه که مقدر دارد ملت ما را به اعاق قرون وسطی عقب کشد، ایران را به قبل از انقلاب برگردانند. سلطنت آنان منضم معین خود را دارد. آنان خواستار استقرار آن حاکمیت دهنشی هستند که مردم ما با خون خود زحمت قدرت بزرگ کشیده اند.

مردم ما همانا کنونه که وارثین ارتجاع قاجار یعنی سلاله مغرور پهلوی را به گورستان تاریخی فرستادند، همانا کنونه و این بار با خشمی افزونتر وارثین حاج شیخ فضل اله نوری را نیز به آنجا می خواهند فرستادند که فقط در موزه های دبیره شناسی سراغ آنان را توان گرفت. زیرا دوران، دوران دبیره سرتن مردم ما هم مردم دیگری.

دهقانان زحمتکش

به چه راه که نتواند، نگذا رید فزیر ندان نشان را بسه جنبه سرتن. قرار بر آن از جنبه ها را پناه دهید و کمک کنید.

هیستکی فدامبرالیستی بقیه از صفحه اول در جشنواره اسپا و سقید، سرخ و زرد و آمریکا سی آسیایی، آفریقای و اروپایی، یک صد و باطنین نیرومند های صلح سردا دند و نیروی همبسته و ممسم خود را در مبارزه با امپریالیستهای جنگ افروزمه نمایش گذاشتند.

در استقبال مسکو، نمایندگان جوانان ۱۵۷ کشور جهان شرکت داشتند. نزدیک به ۲۰۰۰ سازمان و انجمن سیاسی، اتحادیه و انجمن های مذهبی بسا اعتقادات گوناگون، نمایندگان خود را روانه جشنواره کردند. در جشنواره مسکو، هیات جوانان ایران به نمایندگی از سوی جوانان میهنستان شرکت نمود و در ترکیب آن هیات نمایندگان سازمان جوانان فدائی خلق ایران (اکثریت) شرکت داشت.

نمایندگان جوانان جهان در جشنواره مسکو، نفرت عمیق خود را از برتری طلبی و زورگوایی امپریالیسم آمریکا و سیاستهای نظامی گرانه و تجاوزکارانه و شهیدت و مداخلات سیاسی آن نسبت به کشورهای تحت سلطه و دولت های جوان و مستقل ایرا زداشتند. جشنواره مسکو صحنه شورانگیز دفاع انترناسیونالیستی جوانان از مبارزات رهایی بخش خلقهای تحت ستم و از بندگی بود.

نمایندگان جوانان جهان در کنفرانسها، میزگردها و گردهم آییها، مصیبه ترین همبستگی خود را از مبارزات دلبرانه خلقهای قهرمان شیلی، لسالوادور و آفریقای جنوبی ایرا زداشتند. آنها از مسارزه و مقاومت عادلانه خلقهای نیکاراکوئه و افغانستان در دفاع از ملت کشور و حق حاکمیت خود در مقابل تجاوزات امپریالیسم و ارتجاع پشتیبانی نمودند. در جریان کنفرانسها، میزگردها و میا حتا تسی که در خلال برگزاری جشنواره برپا شد، با مسایل و مظللاتی که آینده جوانان را تهدید می کند و توتکی و حیات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آنان را تحت الشعاع قرار می دهد، مورد بررسی قرار گرفت. مبارزه فدامبرالیستی، همگاری های اقتصادی و تنظیم نوین اقتصادی، شنجات و دیگر مپیای منطقه خاورمیانه، جنوب آفریقا و... از جمله این بررسی ها بودند.

شرکت کنندگان در جشنواره به بررسی و تبادل تجربه درباره موقعیت جوانان زحمتکش درجامع مختلف حقوقی و امکانات رفاهی و و پرورش آنان وضع زنان جوان در کشورهای گوناگون و تضیقانی که نسبت به آنان روائی شود و مسایل آموزش جوانان وضع دانش آموزان و دانشجویان ایرا زداشتند. در روزهای سرگزاری جشنواره، سراسر مسکو در جنب بود، کوپی این شهر بزرگ، برای شادی و بایکوبی جوانان و میدوار ساختن آنها به آینده عظیمن ساخته شده بود. میا دین و خیا با آنها در تمامی شپا و همه روز پذیرای گروههای بزرگ جوانان، بظها و گفتگوها، تبادل نظرها و تجربیه اندویدارانه ها و بایکوبی ها یسان بود. تدارکات گسترده و عظیمی که کاما مول لنینی برای پذیرایی از میهنستان و بر گزاری جشنواره دیده بود، سازماندهی قوی و خیره کننده آن میهنان نواری مردم صلح دوست شوری، برای برپایی این گردهم آیی عظیم محیط ایده آل ایجاد کرده بود. مردمی که وحدت دوستی بین از یک صدمیت را در میهن و اجدود متخفق ساخته اند، میزبانان ایده آل و منادیان دوستی خلقهای گوناگون سراسر جهان شده بودند.

دها زدهمین جشنواره جوانان و دانشجویان در مسکو، جشن "همبستگی، دوستی و صلح" بود.

جوانان مترقی از سراسر جهان، با شرکت در این جشنواره و تا کید بر حیات ترین ساله جهان معاصر، یعنی مبارزه در راه صلح و تأمین آینده مطمئن و سعادت مند برای مردم سراسر جهان، با ردیگر عزم واراده خویش را برای مقابله با جفاکرونیهای امپریالیستیه به سرکشی امپریالیسم آمریکا به نمایش گذاشتند. جشنواره مسکو تجلی همبستگی و قدرت نیروهای صلح، استقلال، دموکراسی و سوسیالیسم و جلوه های از انسان دوستی و احساس مسئولیت عمیق نسبت به مردم سراسر گیتی بود.

معاوجه با رفیق مهدی تابور بقیه از صفحه ۴ انقلابی در میان حدود ۲ میلیون هموطن ما در خارج کشور بیدگر، آشوب و وسیع توده دانشجویان و نیوز کارگران ایرانی مقیم کشورهای پارمیسه داری غرب نیروهای هستند که زمینه گسترش اندیشه های انقلابی در میان آنان بسار وسیع است. علاوه ارتجاع قرون وسطی میا صدها هزار از روشنفکران و اندیشمندان و آزادبخواهان و میهن دوستان ما را وادار به ترک میهن کرده است. این نیروها، خواهان براندازی استبداد فدهقانی خمینی هستند. سازماندهی این نیروها و جلب حمایت آنان از جنبش انقلابی در ایران، اهمیت و فوریت بسا دارد.

دهمین سالگرد پیمان هلسینکی

دهم مرداد ۵۴ (اول اوت ۱۹۷۵) رهبران و نمایندگان ۳۳ کشور اروپایی و همچنین ایالات متحده آمریکا و کانادا در هلسینکی پایتخت فنلاند سندی را امضاء کردند که اهمیت جهانی دارد. این سند که قطعنامه امنیت و همکاری در اروپا نام دارد، امضاء کنندگان را موظف می کند که در حفظ و تحکیم صلح در اروپا بکوشند، مرزهای موجود اروپا را به رسمیت شناخته و غیرقابل نقض بدانند، همکاری های اقتصادی، فرهنگی، هنری و ورزشی با یکدیگر را گسترش دهند، در مورد اخلال کشورهای همسایه در حالت ناکتندوبه حق حاکمیت یکدیگر احترام نگذارند.

امضاء این قطعنامه حاصل تلاش های سخت و پیگیرانه کشورهای سوسیالیستی و بویژه اتحاد شوروی بود که از سال ۱۹۷۳ آغاز گردید و طی نشست ها و مذاکرات متعدده به امضای سندهلسینکی منتهی گردید. امضاء این سند در ۱۹۷۳ میلادی بود.

سند هلسینکی، نه تنها در خدمت تامین صلح و امنیت اروپا بود، بلکه برای تمام کشورهای خلقی عامل استوار و صلح جهانی به حساب می آید. اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی طی ده سال گذشته، به انجام کلیه مقررات سندی شده است. کنفرانس امنیت و همکاری اروپا متعبد بوده به آن عمل کرده اند. اتحاد شوروی حتی در سال ۱۹۷۷ میلادی در باره مناسبات میان دولت های رابستوان امضای پیمان های سیاست خارجی خود در قانون اساسی کنجاند.

در شرایط کنونی که فضای سیاسی اروپا بیستت ماجراجوییهای خطرناک دولت آمریکا و پشتیانی نی

پیاد سالوادور آلنده قهرمان ملی شیلی

۱۱ سال پیش، حکومت مردمی سالوادور آلنده در شیلی، با توطئه سیا و انحصارات امپریالیستی آمریکا با همکاری بورژوازی ارتجاعی شیلی، به دست ژنرال پینوشه و سایر کودتای خونین سقوط کرد و رژیم فاشیستی پینوشه این عامل سرسپرده آمریکا در شیلی مستقر گردید. سالوادور آلنده میا ستمدار بزرگ، قهرمان ملی و رئیس جمهور منتخب خلق شیلی در برابر کودتای آمریکا ایستاد. خلق شیلی را به ایستادگی فرا خواند و در حالی که در کاخ ریاست جمهوری در محاصره تانکهای ژنرالهای آمریکایی بود، مسلسل علیه کودتاکران بکا گرفت تا اینکه به دست دژخیمان به شهادت رسید.

رژیم دست نشاندۀ فاشیستی پینوشه که با قتل آلنده لعن و نفرین ابدی خلق شیلی را علیه خود برانگیخت، از همان ابتدا با راه انداختن حمان خون، هزاران نفر از انقلابیون و مبارزان شیلی را سر به نیست کرد. تعداد دبیشمار از رهبران و فعالین احزاب انقلابی را زندانی شکنجه و اعدام کرد. ستمگها و اتحادیه های زحمتکاران و دیگر سازمانهای مدنی، طبقاتی را غیر قانونی و فعالین آنها را به زندان افکند.

کودتاکران با بیای سرکوب و استقرای خلفان دست انحصارات امپریالیستی را در گرفت و استعمار بیرحمانه مردم شیلی با زکذا شدند. انحصارات امپریالیستی با زاردا خلی را مجددا در قبضه خود در آورده و بسیاری از واحدهای کوچک متوسط، زیر فشار انحصارات تعطیل و ورشکسته شدند.

هم اکنون، بیش از ۳۰٪ افراد قادر به کسار در شیکاوری برمی بوند، تورم دشمنی پیدا می کند. سدهکاری خارجی که مشکل بزرگ دور شکسته شیلی است، از رقم ۳۰ میلیارد دلار تجاوز کرده است. ۱۱ میلیون مردم شیلی بیش از ۳۰ میلیون نفر در فقر بر می بوند. بر اثر شکرش گران اقتصاد، زندگی و معیشت مردم بیش از پیش دشوار تر

توجه بفرعی اسواک
فشار و جنابیت را به تمامش گذاشت. بقیه از صفحه ۱۲
اگر اسواک تا روز پیش ریخت داد، اسواک خمینی نیز او را نجات خوا هداد. آدستگاه اطلاعاتی رژیم هر اندازه هم که عریض و طویل با دشوهرات از انقلابیون مردم اسواک را به سلاح خانه خود بکشد، قادر نخواهد بود جلوی مبارزات خلق را بگیرد. رژیم تلاش خواهد کرد که نیروهای انقلابی نگردهایش را نشان بدهد و قدرت او را دست کم بگیرد و رهبری را تقلاقی خود را از دست بدهند. لذا باید اسواک رژیم و عوامل آن را به مردم معرفی کرد و اهداف آنها را برملا ساخت تا رانحلال اسواک خمینی را به میان مردم برده و شتاب آنان در تبدیل کرد، مردم را تشویق نموده که هر طلعهی زاین سازمان را ارتجاعی دست آورده، در اختیار سازمانهای انقلابی قسرا در دهند.

متحدان نا تویی آن ، به و خامت بیشتری می گراید ، وسایست استقرای سلاحهای موتکی هسته ای آمریکا ، مخصوصا موتک های ضربت اول با گستاخی دستمال می شود ، اهمیت قطعنامه کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا برجستگی بیشتری پیدا می کند .

و خامت واقع کنونی ، شتریک مسای کشورهای با نظام های مختلف برای برقراری امنیت و رفیع تشنج بین المللی و تامین مناسبات حسنیه بین المللی را الزام آورمی کند . آوازینرومه نیروهای صلح دوست در اروپا و سراسر جهان برای رفع خطر شوم جنگ هسته ای و تامین روابط بین المللی سالم و رोजنی همجواری تلاش می کنند . اکنون در برابر جنگ افروزی دولت آمریکا ، حفظ صلح به یک مساله حیاتی بدل شده است . در همین رابطه است که اتحاد شوروی در آستانه دهمین سال امضاء سندنهلسینکی و بیمانیت چهلین سال مبارزان اتمی هیروشیما و ناگازاکی اعلام کرد پتوریک جانیسیه هرگونه انفجار هسته ای را از روز ۶ اوت (پانزده مرداد) تا پایان سال میلادی قطع می کند و ایالات متحده را نیز به پیوستن به این ابتکار فرا خواند . ولی آمریکا تاکنون نه تنها به این پیشنهاد ما ننندما برپیشنهادها و ابتکارات صلح امپریالیست اتحاد شوروی پاسخ مثبت نداده است ، بلکه همراه با دیگر سیاستهای مخرب و ماجراجویانه خود ، کشتادن جنگ هسته ای را به قمار ساخته و دنبال می کند و تلاش دارد که در این راه متحدین بیشتری بیابد .

حق زندگی ، حق مسلم و طبیعی هر انسان است . محافل جنگ افروزمیریا لیستی و ارتجاعی ، این حق را با خشونت زیر پای گذارند . وظیفه انسانان دوستانه هر ایرانی شرافتمندان است که جنگ افروزان بین المللی یعنی محافل تجا و زکا را میریا لیستی و جنگ افروزان داخلی یعنی خمینی وهمه اعوان وانصارش را افشاء کنند و دست در دست دیگر هم میهنان خود در راه نابودی آنان بر زمین

گردیده ، در نتیجه انجرا رونفرت و تقابل مردمی رژیم فاشیستی شدت یافته است . مبارزات و اعتراضات اقشار مختلف مردم در سطحی گسترده ، جریان پیدا بدو اشکال نوینی بخود می گیرد ، هفته ها روز ههای اعتراض علیه حکومت فاشیستی به نامایش اعلام انجرا در اروپا رویی مردم علیه رژیم تبدیل شده است .

وضعیت تازه در شیلی نتیجه فعالیت انقلابی احزاب مترقی مخالف رژیم بویژه کمونیستها است . با تلاش کمونیستها ستمگها و دیگر تشکلهای مدنی - طبقاتی تا گران و سایر زحمتکاران و سازمانهای گوناگون جوانان با زسای می شوند و نقش خود را در مبارزه متشکل و متحد علیه رژیم بازمی یابند . با تلاش حزب کمونیست شیلی نیروهای انقلابی شیلی در اروپا رویی با رژیم به اتحاد دارند و ای دست یافته اند به نتیجه متحد مردمی شکیلی شده است . این اتحاد ، توان و امکانات مبارزاتی مردم را گسترده تر ساخته و در نتیجه تناسب قوا به سود نیروهای انقلابی و دموکراتیک تقبیر می کند .

با قهرمانی خلق شیلی ، رژیم فاشیستی پینوشه در سطح جهانی رسوا و آبرو باخته شده است . هر روز که می گذرد ، مردم آزادبخواه و احزاب و محافل مترقی سراسر جهان ، حمایت خود را از مردم شیلی در مبارزه علیه استبداد فاشیسم حاکم بر شیلی افزایش می دهند . همه ساله در روزهای ۱۲ تا ۲۰ شهریور در هفته "همبستگی جهانی با خلق شیلی" که با سایر کودتای خونین و استقرای رژیم پینوشه در شیلی مصادف است مردم آزادبخواه و نیروهای مترقی سراسر جهان با برگزاری اجتماعات و نظارهات بر همبستگی خود با مردم شیلی پای می فشرنند و حمایت خود را مجددا اعلام می دارند .

مبارزه که نزدیک به نیم قرن دیکتاتوری شاه را تجربه کرده بود حالا به استبداد خمینی گرفتار شده اند ، اوضاع دشوار خلق شیلی و مبارزه قهرمانانه آنان را درک می کنند . آرزوی مردم ما خواست خلق شیلی نابودی رژیم پینوشه و آزادی خلق شیلی از یوغ امپریالیسم و ارتجاع شیلی است . خلق شیلی بیروز نخواهد شد

کا رگران و زحمتکاران ایران !
سران خائن جمهوری اسلامی سدها هزار رتقرا در جنگ کثیفه کشن داده ، سدها شهر و روستا را به آتش کشیده و کشور را ویران می کنند . سران رژیم چپسئون جنگ دارند ، همه چیز را در خدمت جنگ در آورده اند . دشمنان خلق ما !
در هر جا که هستید ، علیه جنگ اعتراض کنید ، علیه جمع وری کمک و اعزام نیرو به جبهه اعتراض کنید . علیه جنگ اعماب کنید ، برای صلح نظارهات کنید ، ما شین جنگی رژیم را فلج سازید !
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

آپاراتاید می میرد

بقیه از صفحه ۱
در آموزش ، مدارس را تحریم کرده اند . ۲۰ هزار نفر از رنگین پوستان گردهما بی بزرگی در شهر زوها نسبورگ برپا کردند ، در شهر کرا دوک پنجاه هزار نفر در گردهما بی بزرگ علیه رژیم نژادپرست شرکت جستند . در این گردهما بی برای اولین بار در این دوره از جنبش ، برچرمزمنده کنگره ملی آفریقا و حزب کمونیست آفریقای جنوبی در آن کشور به اهتزاز آمد . اعلام حالت فوق العاده به قول آل فردرتر و دبیر اول کنگره ملی آفریقا ، عمل نومیدهانه "ا ی از جانب رژیم بونا است و از بنا توانی رژیم در اداره کشور به شیوه های گذشته حکایت دارد و باید آنرا تا زمان پایان نظام آپاراتاید" نامند . گردهم آییها و نظارهات دهها صدها هزار نفری مردم در فضایی ترور و کشتار مومیدان حکم است . مبارزات مردم آفریقا ی جنوبی علیه نژاد پرستی با زتاب وسیعی در سطح جهانی پیدا کرده است . سازمان وحدت آفریقا ، فدراسیون بین المللی زنان دمکرات ، فراکسیون جوانان سوسیال دمکرات در آلمان غربی خواستار اتحاد نژاد بیرواقعی بر فدراسیون زنان شدند . شورای جهانی صلح که سازمانهای ملی و محافل اجتماعی بیش از صد کشور در آن عضویت دارند و از تمام دولتها درخواست کرده که مجازت های شدید و همه جانبه ای را علیه رژیم بوتا بکار بر بند ، سازمان ملل متحده را بفریم تلاشهای دولت ریکان از رژیم آفریقای جنوبی خواسته است که وضع فوق العاده در کشور را لغو کند و به سرکوب مردم پایان دهد . دولت آمریکا و برخی متحدین اروپایی آن که از منابع غنی آفریقای جنوبی سودهای استثنایی برده اند و تاکنون در پشتیبانی رژیم نژاد پرست بیشترین نقش را داشته اند ، به شدت و با افتاده اند . آنها تلاش می کنند رژیم آفریقای جنوبی را از طرف ناسی که علیه آن برخاسته است نجات دهند . دول امپریالیستی بویژه آمریکا ، ای تالما و آلمان

دهها میلیار د دلار در آفریقای جنوبی سرمایه گذاری کرده اند ، حفظ این کشور در کنترل آنان اهمیت استراتژیک دارد . بهین دلیل آمریکا تلاش می کند با ادا شدن دولت بوتا به فرم ، از رژیم نجات دهد ، ملاقات اخیر مقامات وزارت خارجه آمریکا و آفریقای جنوبی بهین منظور بوده است . اکنون آمریکا تبلیغ می کند که دولت بوتا در آینده نزدیک سیستم آپاراتاید را تعدیل خواهد کرد و هدف آن نیز انحراف جنبش نژاد پرستی آفریقای جنوبی است . ولی مردم آفریقای جنوبی مصمم هستند ، علیه رژیم سرکوب و خبیانه رژیم ضد مردمی و تلاشهای فریبکارانه دولت آمریکا ، بساط این رژیم نژاد پرست را برچیده و حکومت مترقی و مردمی مستقر سازند . جامعه ای عاری از ستم و تبعیض نژادی برپا سازند

هیروشیما ، ننگ آمریکا

بقیه از صفحه ۱۲
امپریالیسم آمریکا پس از فاجع هیروشیما و ناگازاکی چندین بار در مورد کوه و پستان به فکر استفاده از سلاح هسته ای افتاد ، اما دیگر شرایط جهان تغییر کرده بود . انحصار سلطه اتمی از دست امپریالیستهای خارج شده و حربه ترساندن با سلاح اتمی ، کار آبی خود را از دست داده بود . امپریالیسم آمریکا که داغ ننگ بمباران اتمی هیروشیما و ناگازاکی را بر چهره پلید خود دارد ، از آن زمان تاکنون برای تحمیل سیادت خود در جهان و تحمیل اراده خود بر دیگر خلقها ، تبحم شرارت جنگ در جهان می باشد . در این راستا سلاحهای هسته ای هر چه و ضحنتنا کثرت تولید می کند و ماسافه مرگ را به فضا می کشاند . امپریالیسم آمریکا تجم جنگ و مرگ است و استعمال سلاح هسته ای را امکان پذیر و حتمی مصلحت می داند . این امر با توجه به ابعاد سلاحهای هسته ای ذخیره شده که برای نابودی جمعیت بشری معادل ۶۰ برابر جمعیت موجود در کوه زمین وهمه آثار زندگی و تمدن بشری کافی است ، ایما دنا است ، جنگ افروزی و گندیدگی امپریالیستها را آنکا زتر می سازد .

ملح ساله اساسی جهان ماست . عامل اصلی تهدید صلح جهانی ، آمریکا و نیروی تعیین کننده حفظ صلح جهانی ، اتحاد شوروی است . تاکنون همسینه پیشینها دات و ابتکارات اتحاد شوروی از سوی دولت جنگ افروزریکان بدون جواب مانده است . آخرین پیشینها دتسان دوستانه اتحاد شوروی منبیس سر قطع آزمایشهای اتمی تا پایان سال جاری میلادی نیاز سوی دولت هارریگان بلافاصله رندد . اما علیه رژیمه تشبثات خطرناک امپریالیسم آمریکا ، نیروهای صلح در جهان برای جلوگیری از یک راجعه عظیم هیروشیما و ناگازاکی و برای اموحنا بودی جنگ در روی زمین در با دچانی هر روز نیروی و نیروی مردمی می شود . فاجعه هیروشیما داغ ننگ ابدی بر چهره ملیسا امپریالیسم آمریکا است . مبارزه برای محو جنگ در جهان ، مظهر انسان دوستی و افتخار اتحاد شوروی و همه کشورهای و نیروهای سوسیالیستی و مترقی جهان ماست

زندانی سیاسی ، آزاد باید گردد!

قانون کار

باید مدافع حقوق کارگران باشد

همچنانکه انتظار می رفت با انتشار لایحه جدید قانون کار ارتجاع، اعتراضات توده ای کارگران نیز با شدت و آهنگی بیشتر، با وجود اینکه مقامات حاکم، طی مصاحبه های متعدد، به لطیف الحیل کوشیدند، برتری های چشمگیر "ابن لایحه کذابی" را نسبت به قوانین ارتجاعی پیشین به کارگران نقیلا کنند، اما کارگران بلافاصله پس از انتشار این لایحه دریا فتنده که این قانون نه تنها مدافع حقوق طبقه کارگر نیست، بلکه عمیقاً ضد کارگری و ارتجاعی است. کارگران، همچنان دریا فتنند که اساسی ترین مطالباتی که طی ۶ سال اخیر در عرصه جنبش قانون کار داشته اند، در این لایحه نقی شده است. حق کار، امنیت شغلی، لغو ماده ۳۳، حق تشکل صنفی مستقل، تعیین سیستم عادلانه دستمزد، تضمین بیمه های دستمزد، حقوق اعتصاب و غیره، هیچکدام در نسخه جدید قانون کار رژیم تامین نشده است. این تجربه، یک بار دیگر به کارگران نشان داد که رژیم علیرغم عقب نشینی آشکار از مواضع پیش نویس توکل صنفی و وعده و وعیدهای هیچ کام، جدی در جهت تامین مطالبات کارگران بر ندها شده است.

در شماره گذشته "کار"، مهمترین و بارزترین مشخصه های ارتجاعی بودن قانون سرحدی زاده مشتمل بر نقض حق کار و امنیت شغلی، حق تشکل صنفی مستقل و حق اعتصاب بررسی گردید. اینک به طرح فهرست ورموارد دیگری از نقض حقوق صنفی کارگران در این لایحه می پردازیم:

۱- در رابطه با نقض و موقعیت شکلهای صنفی کارگری در این لایحه، نکته مهم این است که در صورت اصلاحیه سرحدی زاده، تعدد ایمن و نقض شکل کارگری در هیاتهای حل اختلاف اشتغال و خراج، قرار داد کارآموزی، آموزشهای عمومی و حرفه ای، با زورسی کار و غیره معسوک مانده و در همه زمینه های اجرایی قانون و تنظیم و اجرای آیین نامه ها، ریش و قیچی درست دولت و کارفرمایان قرار گرفته است. البته علت آن کار ملامت روشن است. هر اس رژیم ارتجاعی کارگران را مستحدمشکل، لذا روح و جوهر مناسبات میان کارگر و کارفرما در قانون کار سرحدی زاده را، مناسبات بین کارفرما و کارکنان دولت با افراد کارگر تشکیل می دهد. در صورت ساری لایحه، فرد کارگر در برابر کارفرما و دولت حاکمی آن قرار داده، شبه تشکل کارگران در مقابل آژانس، مشروط کردن اجرای بیمه های دستمزد صنفی به تأیید و اجازه وزارت کار، (ماده ۱۵۵) جز تخلیق و یا نقض این حق بدیهی و مسلم کارگری، معنای دیگری ندارد.

۲- حق اعتقاد دینما نهی دستمزد صنفی تشکلهای کارگری با کارفرمایان، حق صنفی شناخته شده کارگران و همه حرفه ها ورشته ها است. لذا موضوعی است که تشخیص اجرا با عدم اجرای آن درجا و جوبی فراتر از ضابطه اختیارات وزارت کار قرار دارد. نکته مهمی را که در این رابطه باید یاد کرد دیگر تاکید کمیته این است که حق بیمه نهی دستمزد صنفی، بستن قرارداد کارگران با کارفرمایان نیست بلکه دقیقاً بستن قرارداد تشکلهای کارگری با کارفرمایان است.

۳- ساعات کار هفتگی کارگران ۴۸ ساعت تعیین شده است (ماده ۶۶، تبصره ۱)، البته اوقات نماز خوانی و صرف غذا جز ساعات کار شناخته شده اما می توان گفت که این نیز شکر دی است برای آنکه سرانجام با زمینه جنبی ساعات کار هفتگی قانون کار زمان شایه را جایماند زنده ۴۸ ساعت کار. در هفته رانه کارگران تحصیل کنند. حال آنکه خواست و شعار کارگران ۴۰ ساعت کار بادی و رفیق تعطیلی در هفته است.

۴- بخشهای و صیغی از کارگران کشور همچنان خارج از دایره شمول قانون کار قرار گرفته اند (تیمبرهای ماده ۱۳ و ۴۷).

طبق تبصره ماده ۱۳، تنها موسسات دولتی موظف به اجرای قانون کار شده اند اما سایر یک چنین تا کنونی بعنوان یک تکلیف قانونی و لازم اجبار در مورد سایر موسسات صورت نگرفته است، بجسای استفاده از اهرم الزام قانونی در مورد موسسات خصوصی، تنها به این موسسات، انجام حجت شده که جنبانچه از اجرای این قانون امتناع کنند، "بنابه پیشنهاد وزارت کار از اجتناب یا قسمتی از خدمات دولتی محروم خواهند شد". اگر وزارت کار چنین پیشنهادی را در صورت متخلفین از اجبجاری قانون کار، از خدمات دولتی که کاملاً بر خوردار خواهند شد! این اولتیمو کذاب در واقع جویای خواست برای امتناع بخشهای وسیعی از موسسات خصوصی متوسط و خرد و همچنین بنا و نی های اجبجاری قانون کار را به سبب دیگر لایحه سرحدی زاده رسماً راه را برای محروم کردن بخشهای وسیع تشری از کارگران ایران از شمول قانون کار هموار کرده است.

همچنین در تبصره ماده ۲۰۷ آمده است که "وزارت کار می تواند کارگاههایی را که دارای کمتر از ده کارگر هستند، موقتاً از شمول تمام یا قسمتی از مواد این قانون معاف نماید" با زدن اینجمله می بینیم که چگونه حق برخورداری کارگران از حقوق اجتماعی بدیهی و در عین حال اساسی شان تابع اراده ارتجاعی مثل وزارت کار قرار می گیرد. بدیهی معنای صافاً شدن کارگاههای کمتر از ده نفر از شمول تمام یا قسمتی از قانون کار چیست؟ واقعیت آن است که در حال حاضر متجاوز از ۲۸۰ هزار واحد کارگاهی با کارگرانی کمتر از ده نفر در ایران وجود دارد، به این ترتیب طبق تبصره ماده ۲۰۷ صدها هزار کارگر را که خارج از شمول قانون کار قرار می گیرند. طبقه کارگران، دهها سال مبارزه کرد. تا قانون کاری تدوین شود که تمامی کارگران مزدبگیر و واحدهای تولیدی و خدماتی و آرد همه موسسات دولتی، خصوصی و تعاونی بیانشانند. قانون کار را باید بدون استثنا، در برگیرنده کارگران همه لایحه ها، رشته ها و حرفه های مختلف باشد. اصولاً درجه شمول قانون کار یکی از ناخن های برجسته تشخیص مشخصات کلی قانون و درجه تکامل آن است.

۵- حداقل سن کار در رسماً ۱۵ سال و اولی عملاً ۱۲ سال مقرر شده است (تبصره ماده ۵ و ماده ۱۲۹). طبق این ماده نوانده تنها بکارگیری و بهره کشی کودکان ۱۲ تا ۱۵ سال تحت عنوان "کارآموز" مجاز شده، بلکه به بهانه "کارآموزی" می توانند آن را از ابتدایی ترین حقوق صنفی و رفاهی نیز محروم کنند. کارگران خواهان تثبیت ۱۵ سال بعنوان حداقل سن کار هستند. در مقابل و لانه های سازمان بین المللی کار نیز ۱۵ سال بعنوان حداقل سن کار تصریح شده است.

خواست کارگران در این رابطه عبارت است از ممنوعیت کار کودکان، تثبیت ۱۵ سال بعنوان حداقل سن کار و آموزش اجباری و رایگان همگانه کودکان و نوجوانان زیر ۱۵ سال کشور توسط دولت. ۶- مرخصی سالانه کارگران در این لایحه (طبق ماده ۷۹) ۱۸ روز تعیین شده است. حال آنکه خواست کارگران، برابری مرخصی سالانه کارگران و کارمندان است، یعنی یک ماه در سال برای همه کارگران و کارمندان. البته ضروری است که امتیازات ویژه ای که از نظر دستمزد و ارزیابی مشاغل، وجه نظر اجتماعی کارفرما و ویژگی های و مزایای رفاهی دیگری برای کارگران مشاغل سخت از قبیل معدن و نظایر آن باید تعیین گردد.

۷- سقف سن بازنشستگی در این لایحه مشخص و مشخص شده است. خواست کارگران در مورد تعیین سن بازنشستگی برای کارگران زن ۵۵ سال و برای کارگران مرد ۶۰ سال است.

۸- اضافه کاری در قانون سرحدی زاده مجاز شده است (ماده ۷۴). روشن است که استمرار تضییقات ما مندا فاعه کاری اجباری در محیط های کار، محمول نازل بودن سطح دستمزدها و فشار کمزورکن هزینه های زندگی کارگران است. خواست و شعار طبقه کارگر در این خصوص همواره این بوده و هست که با بدیاد افزایش سطح دستمزدها و برابری کار روزدگی کارگران، اضافه کاری اساساً ممنوع و غیر قانونی گردد. در شرایط کنونی رژیم خجینی بخاطر بحران که درگیران است، احساس می کنند که بیش از هر زمان دیگری بر حفظ و استمرار یک چنین تضییقاتی نیاز دارند.

۹- حقوق صنفی ویژه کارگران زن نقض شده است (تبصره ماده ۹۰ و ماده ۹۲). طبق ماده ۹۰ احتساب دوران مرخصی بارداری زنان کارگر بعنوان سابقه کار مشروط به تأیید زمان تأمین اجتماعی شده است. حال آنکه این حق صنفی نیز قطع نظر از اینکه سازمان تأمین اجتماعی و سایر مراکز دیگری آنرا پذیرد، و یا انکار کند، حق بدیهی و مسلم کارگران زن است. طبق ماده ۹۲، بخش وسیعی از کارگران زن از استفاده از شیخو رگاه و مهدکودک برای کودکان شان محرومند. قانون سرحدی زاده صاحبان واحدهای کارگاه کارگران آن مجموعاً کمتر از ده کودک دارند، موظف به ایجاد امکانات لازم برای نگهداری اطفال نمی کند. حال اینکه این، حق مسلم و خواست مبرم کارگران است که از امکاناتی چون شیخو رگاه و مهدکودک بعنوان جزئی از حقوق صنفی و رفاهی خود استفاده کنند.

بیشترین مشخص کارگران در مورد واحدهای صنفی تعداد کودکان نشان کم است، این است که دولت صاحبان آن واحدها را موظف کند که (مثلاً با ۴ واحد با هم) مشترکاً یک محل را با امکانات لازم برای این کار اختصاص دهند.

۱۵- قانون سرحدی زاده به کارفرمایان این اجازه را می دهد که کارگران را با بقراطس از لایحه کار به بهانه "کاهش توانایی های جسمانی و فکری" شان به مشاغل کم اهمیت تری تنزل داده و دستمزدها را نیز به همان نسبت کاهش دهد (ماده ۴۲).

در این ماده کمترین اشاره ای به نقش تشکلهای کارگری در بررسی، تجدیدنظر و تأیید یا رد درخواست ها و تشکلات با عدم تشکلات با بنیاداً فرادبا فرستاده و

شغل شان نشده است. می توان بر فهرست فوق موارد جوانب دیگری را مبتنی بر ارتجاعی و ضد کارگری بودن این لایحه افزود، اما نمونه های فوق الذکر به اندازه کافی کویاست. مضافاً بر اینکه این موارد در کنار همه موارد اساسی ای که قبلاً ذکر کردیم، در مجموع، خطوط اصلی سیمای گریه و نفرت انگیز این قانون را کاملاً تر و واضح تر ترسیم می کند.

ولگیوری از تحمیل این لایحه ارتجاعی صنفی و ضد کارگری در لایحه کنونی، درگروی سازماندهی عملی اعتراضات و ناراضی های روه گسترش توده های وسیع کارگران علیه سیاستهای رژیم متجمله علیه این قانون است. این مبارزه باید با بسیج بیشترین نیروی توده ای برای لغو خاص ترین مواد فصول این لایحه ارتجاعی، بنویژه فصل ششم آن، سازمان یابد. اگر کارگران موفق شوند مواد فصول فوق را با مبارزه قاطع لغو کنند، آنگاه راه دور را فکندن تمام مواد قانون هوایتر خواهد شد. هسته های مخفی کارگری و بطور کلی کارگران پیشرو آگاه در این لحظه باید با تطبیق شعار عمومی "قانون کار را به مدافع کارگران نباشد" در عرصه ها و محورها پیشی که ذکر کردیم، این مبارزه توده ای را تقویت و هدا بیت نموده و آنرا اغلا بختند.

چگونه میتوان...

کامل قوانین و ضوابط کارمندی و عینی مستشره در جزوات و دستورالعمل های درون سازمانی و همچنین رهنمودهای منتشره در نشریه کاروبارگری خلاقی تجارب احزاب کمونیست و انقلابی فراموشی، مسئولی و فعالین سازمان با بدو توجه کنند که برتری اصل کیفیت بر کمیت در انتخاب کارها و عدم افزایش تعداد افراد حرفه ای، گسترش بخش مخفی تشکلات بهیچوجه به معنای عدم گسترش شبکه تشکلات سازمان در میان کارگران و زحمتمندان و روشنفکران انقلابی که شرایط ضروری است در اساسنامه و بخشنامه های سازمانی رادار باشند، نیست. گسترش و بهبود کیفی شبکه تشکلات سازمان و توده ای کردن پایه آن یکی از راه های حادی مقابله با فوطه های رژیم فدا انقلابی حاکم است. در عین حال هیچ انقلابی کمونیستی نباید برای مقابله با اقدامات ضد کارگری رژیم تنها و تنها به اتخاذ تدابیر اقدامات تشکلاتی و امنیتی بسنده نماید. اتخاذ تدابیر اقدامات امنیتی و تشکلاتی بجای خود امری است لازم و حجتی، ولی وجه دیگر و سیاست مهم و اساسی مقابله را باید در گسترش فعالیت انقلابی، در میان توده های مستحقود.

ثرو بقا، وادامه کاری یک تشکلات کمونیستی در هر شرایطی درگرو تفتیق دیا لکتیکی کار عینی و مخفی، درگرو گسترش تبلیغ و ترویج ایده های مارکسیستی - لنینیستی در میان طبقه کارگر و سایر زحمتمندان و تلاش در جهت گسترش پیوند همه جا نبسته سازمانی با آنان است.

تجارب کلیه جنبش های انقلابی و از جمله تجارب عینی جنبش کمونیستی میهن ما نشان می دهد که هرگاه به اصل تفتیق صحیح کار عینی با مخفی، تلفیق صحیح تدابیر تشکلاتی و امنیتی درون جزئی با گسترش دادن تبلیغات توده ای و پیوند با مردم زحمتمندان کم پیدا شده، احتمال انحراف بسته نکتاریسم و یا لیبرالیسم تشکلاتی و طبعاً احتمال وارد شدن ضربات غیرقابل جبران و فاجعه بسیار بسپار زریا دخواهد شد.

مؤثرترین و بهترین ابزار ما برای آنکه بتوانیم ایده های عمیقاً علمی و انقلابی را به میان مردم بریم، تشکلات کمونیستی ما است. در عین حال نباید فراموش کرد برای آنکه موجودیت سازمان به معنای نیروی مردمی و انقلابی حفظ شود و به حیات پویا و روبه رشد خود ادامه دهد، موظف مانده که فعالیت انقلابی ما را در میان کارگران و همه زحمتمندان بی وقفه گسترش دهد، چرا که اگر تشکلات کمونیستی ما مردم در ارتباط نباشد، هیچ ضابطه اصل سخنی که ای هر چنداً همین هم قادر نیست در دراز مدت امنیت آن را تأمین کند.

تجدید موفق شوم به یک نیروی بزرگ توده ای تبدیل شوم، هیچ رژیم فدمردمی قادر نخواهد بود تشکلات انقلابی و آگاه و منضبط ما را که در قلب و باور مردم ریشه کرده است، از پای در آورد. بدون شک در مبارزه با رژیم و در راه تحفیق اهداف خود، ما پیروزی شوم، رژیم جمهوری اسلامی ناپود خواهد شد و ما بازمی مانیم و به مبارزه خود در راه صلح، استقلال، دموکراسی و سوسیالیسم ادامه می دهیم. رمزوار انقلابی فدائیان خلق در وقتا داری آنها در عمل به ما در کسیم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری، مردمی بودن آنها و در تحریک و هویشاری و ابتکار آنها و در گسترش پیوند عینی با مردم و در درس گیری از خطاها و تجربه دسرپای ما فدائیان خلق این است که در هر شرایطی میبانی که با طبقه کارگر و با توده رنجسرها با وفا داشته ایم و همواره و فادار خواهیم ماند و ایستادگی ما در شرایط سخت جلوه ای از آن است.

از میان تراشها

بحران اقتصادی و تعطیل کارخانجات

دربی بحران اقتصادی رژیم و کمبود روستای تهیه مواد اولیه بسیاری از مجتمع های صنعتی کشور آستانه تعطیل قرار گرفته اند...

به علت ورشکستگی اقتصادی رژیم شرکت توابر اقدام به اخراج کلیه کارکنان فرارزاده ای و روز مزد خود در تبریک های ۱۵ روزه اعلام کرده است...

تعلیل عدم تاخیر هزینه های بازنشستگی کارکنان و مجتمع فولاد مبارکه توسط دولت مدعی است حقوق کارکنان آن را خواهد پرداخت شده است...

در کارخانه پلی-اکریل اعلام شده تعلیق تمام کارکنان تا منتهی به ۱۵ اردیبهشت کارکنان فرارزاده ای آن کارخانه قرار داده های کوتاه مدت کار بسته خواهد بود...

مدیران کارخانه ایران تا سیوان، دریسی خوابانیدن بخش های گوناگون کارخانه جدید در ۲۰۰ نفر کارکنان ایرانی در مه مراسم اعلام شده اند...

غلبه کارخانه های روسی نسبت به تعلیق کمبود مواد اولیه و با حداقل ظرفیت تولیدی خود کار می کنند و در نتیجه کاهش تولید...

کارخانه سوئوزن تبریز به علت عدم اختصاص اعتبار برای خرید مواد اولیه و سایر عوامل مورد نیاز در معرض تعطیلی قرار گرفته است...

در کارخانه ایران تراش و فرزها، بخاطر کمبود مواد اولیه و قطع مداوم برق، تولید هیچ قدرتی ممکن رسیده است...

۱۸ سوسه خمومی کوچک و متوسط شهرها خهران می کارکنان خود را بدلیل کمبود مواد اولیه و وضع بد مالی و عدم امکان پرداخت حقوق به آنها اخراج نمودند...

مدیران کارخانه تراش و فرزها ۴ نفر از کارکنان خود را به همین دلیل اخراج کرده است...

در کارخانه سایا بدلیل وضعیت بد مالی و کمبود مواد اولیه و تعطیل در تولید موجود آمده است...

در کارخانه ایران دو قطبیل واقع در شهر صنعتی رشت که تولیدکننده ابزارت است، بدلیل کمبود مواد و عدم سوددهی تعطیل و همه کارکنان آن پس از کارخانه اخراج شده اند...

اعتصاب صیادان شیلات جنوب

دراول اردیبهشت ماه حدود ۳۰۰ نفر کارکنان شیلات جنوب در بندر بوشهر بنوعی اعتصابی به خواسته های اجتماعی معتدلتی نمودند...

۱- افزایش حق سانس دریایی غذا بی که در طول مدت صید صورت میگیرد و بیگانه روزی به کارکنان تعلق میگیرد...

۲- ایجاد در سایر تجهیزات ابزاری سرکشتی های صیادان... ۳- تامین لباس کار و وسایل و تجهیزات مربوط به کار...

۴- با توجه به روز صید در سال ۱۵ روز استراحت (تا حالا ۲۱ روز و ۲۲ روز استراحت معمول بوده است) این اعتصاب ۱۱ روز طول کشید...

تظاره های مردم اصفهان علیه جنگ همزمان با گسترش اعتراضات مردم سرا و سکر شور علیه جنگ و تظاره های نیز مردم سا تل هسوات و اعتراضات و بنوعی مخالفت خود را با جنگ و سیاستهای جنگ طلبانه رژیم ندمر می خاکم نشان داده اند...

اهالی محله دروازه تهران و خیابان گاو تاه راه ایلیک شهر با آتش زدن لاستیک و بستن خیابانها تظاره های وسیعی علیه جنگ و علیه رژیم سسراره ای ادا کردند...

شعار توتنی سبز در اصفهان بطور گسترده ای افرایش یافته و شعارهای بسیاری علیه جنگ و رژیم جمهوری اسلامی برد و دیوار شهر به چشم می خورد...

در تبریک جمعیت هلال احمد در جمعیت کارمندان آذربایجان اعلام داشت که بخاطر عدم تعادل مردم برافزیدن به جبهه ها از کارمندان به نتیجه جانی خواهد بود...

این تصمیم موجب اعتراض و مخالفت شدید کارمندان گردید...

جان کارگران در خطر است

کارفرمایان بسیاری از واحدهای تولیدی هنگام حملات هوایی به کارکنان اجازه نمی دهند که دست از کار کشند و جهت حفظ جان خود استیفا کنند...

زنان کارگروه مشکل مهدکودک

در پی تصمیم رژیم در مورد تعطیل و محدود نمودن فعالیت مهدکودکها در سراسر کشور، مدیران ذکا رگر کارخانجات نیز از این فرصت سوء استفاده کرده و مانع ایجاد مهدکودک جدید و رسیدگی به وضع مهدکودکهای سابق می شوند...

مهدکودکها و نارساییهای شدید بهداشتی و تربیتی مهدکودک کارخانه بارک دیویس و عدم رسیدگی مسئولین کارخانه موجب اعتراض شدیدتر زنان کارگر گردید...

در کارخانه تراش بیگ، خواست کارکنان زن جهت تأسیس مهدکودک با مخالفت مدیریت روبه رو

شد. ولی بیگویی و مبارزه زنان کارگر، مدیریت را مجبور به عقب نشینی کرد. مدیریت متعهد گردید، ترسیمی دهد تا کارکنان زن از مجموعه امکانات مهدکودک کارخانه های هموار استفاده نمایند...

اعتراض اهالی شهرک های جاده ساوه

خرادامه اصال اهالی به شهرک محمدیه، فیضیه و مهدیه واقع در جاده ساوه عنوان اعتراض به کمبود آب آشامیدنی و عدم رسیدگی مسئولین امور، اقدام به مسدود کردن جاده تهران - ساوه نمودند...

مبارزه زنان شهرک محمودیه اسلام شهر

خرادامه اصال زنان زحمتکش شهرک محمودیه اسلام شهر در اعتراض به کمبود آب آشامیدنی و عدم رسیدگی مسئولین به خواسته های آن در محیط مبارزه شهرک محمودیه که تا بعد از ظهر همان روز ادامه داشت...

دهقانان ترکمن ایستاده اند

چندی پیش یکی از فئودالها برای پس گرفتن زمینهای بیروستی "قرنچک" آمده و وسایل "سرتورا" ملاقات می کند...

چندی پیش نماینده فئودال روسای "فلاحق" از توابع "آق قلا" یادداشتی حکمی از خاکم شروع به تمددکشت زمینهای روسایان به محصل مراجعه نمود...

اهالی روستاهای "دوگونی" و "قرسبان آباد" از توابع آق قلا، تلتهای سرهنگ تساردی فئودال روستاهای نامبرده را مبنی بر باز پس گرفتن زمینهایشان، خشنی کرده و متحد از حقیق خود دفاع کردند...

اهالی روستاهای "دوگونی" و "قرسبان آباد" از توابع آق قلا، تلتهای سرهنگ تساردی فئودال روستاهای نامبرده را مبنی بر باز پس گرفتن زمینهایشان، خشنی کرده و متحد از حقیق خود دفاع کردند...

